




Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <http://dx.doi.org/10.22067/PG.2023.78569.1166>

پژوهشی

تایوان میانه دو تعارض؛ موفقیت ژئواکونومیکی و چالش ژئوپلیتیکی

بهادر زارعی (دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

b.zarei@ut.ac.ir

سید مهدی موسوی شهیدی (استادیار گروه ژئوپلیتیک، دانشگاه فرماندهی و ستاد (دافوس آجا)، تهران، ایران)

s.m.mousavi1990@ut.ac.ir

مسعود مصدق (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

mpazhooh@gmail.com

چکیده

تایوان یکی از کشورهایی است که سازمان ملل متحد استقلال سیاسی و حقوقی آن را به رسمیت نمی‌شناسد و دلیل اصلی آن را مخالفت چین از این کشور به‌عنوان یک واحد سیاسی مستقل در عرصه جغرافیای سیاسی جهان و نهادهای بین‌المللی است. چین تایوان را جزیره‌ای متعلق به خود می‌داند که توسط دولتی یاغی به مدت حدود هشت دهه اداره می‌شود و خواه‌ناخواه مانند هنگ‌کنگ و ماکائو باید به دامن سرزمین و ملت بزرگ چین بازگردد و چین واحد را شکل دهند. آمریکا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین بازیگران منطقه پسیفیک نگرش استفاده از زور را در روابط چین و تایوان رد می‌کند و همواره در کنار تایوان قرار داشته و زمینه‌ساز شکل‌گیری یک چالش ژئوپلیتیکی بین دو کشور و حتی کشورهای منطقه پسیفیک را فراهم ساخته است. هدف این پژوهش بررسی موفقیت ژئواکونومیکی تایوان به‌عنوان یکی از ببرهای اقتصادی آسیا و هم‌زمان چالش ژئوپلیتیکی این کشور با چین و مداخلات آمریکا از طریق همکاری با تایوان در ابعاد نظامی، سیاسی و اقتصادی است تا از این طریق بتواند هم به منافع منطقه‌ای و ملی خود

در ابعاد ذکر شده دست یابد و هم اینکه به عنوان ابزاری علیه چین و مهار و درگیر ساختن چین و کند ساختن توسعه اقتصادی و نظامی بهره ببرد و امکان حضور در منطقه پسیفیک را فراهم و امتیازات لازم از این کشور دریافت نماید. روش این پژوهش تحلیلی - مقایسه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و استفاده از متون و منابع داخلی و خارجی بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چین تحت هیچ شرایطی از حقوق خود بر تایوان دست نخواهد کشید و با افزایش قدرت نظامی، اقتصادی، تکنولوژیک و سیاسی در عرصه ملی و بین‌المللی فشار بر تایوان را افزایش خواهد داد و حتی برای تحقق خواسته خود یعنی الحاق تایوان به کشور مادر حاضر به ورود به جنگ با تایوان و آمریکا نیز خواهد بود، آمریکا نیز با تسلط بر منطقه پسیفیک تمام تلاش و ظرفیت خود را برای ممانعت از الحاق تایوان به چین از بعد داخلی و بین‌المللی برای کنترل و نظارت بر چین به کار خواهد بست. از سوی دیگر آمریکا نیز برای دفاع از تایوان تمام‌قد ایستاده و حاضر به پرداخت هر نوع هزینه‌ای حتی ورود به جنگ با چین است.

واژگان کلیدی: رقابت ژئوپلیتیکی، موفقیت ژئواکونومیکی، چالش تایوان، رقابت چین و آمریکا.

مقدمه

قلمرو جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی پسیفیک کرانه‌های شرقی و غربی اقیانوس پهناور آرام و بیش از ۳۹ کشور را در برمی‌گیرد که در قرن حاضر عرصه بزرگ‌ترین فعالیت اقتصادهای جهان، بزرگ‌ترین بازار تولید کالا و مصرف، مهد فناوری‌های نوین، تولید ثروت و جولانگاه رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بین آمریکا و چین و حامیان آن‌ها در این قلمرو ژئواستراتژیکی خواهد بود. یکی از موضوعات مهم رقابت‌های چین و آمریکا در این منطقه، کشور نیمه‌مستقل تایوان که از نظر اقتصادی و تکنولوژیکی پرتوان (نوزدهمین اقتصاد جهان) و از نظر سیاسی پرچالش و نظامی پرتنش خواهد بود. تایوان به عنوان یکی از ببرهای موفق اقتصاد دانش‌بنیان آسیا و دارای تکنولوژی مدرن در صنعت و توانا در تولید ثروت و درآمد (هجدهمین کشور جهان) در منطقه پسیفیک می‌باشد. از سوی دیگر این کشور به شدت مور حمایت آمریکا و دوستان خود در جهان و در اتحادیه اروپا، ژاپن، استرالیا و کره جنوبی قرار دارد. آمریکا سالانه آخرین سلاح‌های مدرن خود از هواپیماهای F35 تا انواع موشک‌های کروز با بردهای متفاوت و تانک‌های پیشرفته به تایوان

می‌فروشد و خشم چین را از این رفتارهای نظامی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی به‌ویژه از دوران ترامپ در سال ۲۰۱۶ تاکنون یعنی در سال ۲۰۲۲ و دوران بایدن را برمی‌انگیزد. به نظر می‌رسد حمایت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکا از تایوان ادامه خواهد یافت و این کشور مانع بزرگ بر سر اتحاد تایوان با چین خواهد بود و حاضر به پرداخت هر نوع هزینه‌ای حتی ورود به جنگ با چین همراه با هم‌پیمانان پاسیفیک خود خواهد بود. چین نیز با افزایش قدرت نظامی، اقتصادی، تکنولوژیک و نفوذ بین‌المللی در عرصه نهادهای بین‌المللی و روابط بین‌المللی از الحاق تایوان به این کشور کوتاه نخواهد آمد بلکه بر این تقاضا خواهد افزود. چالش ژئوپلیتیکی چین و آمریکا بر سر تایوان در دهه پیش رو تا سر حد جنگ ادامه خواهد یافت. پرسشی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که ظرفیت اقتصادی تایوان برای رقابت نظامی با چین و سودمندی اقتصادی برای آمریکا چگونه است و رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور چین و آمریکا بر سر تایوان تا به کجا تداوم خواهد یافت؟

رهیافت نظری

ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک حاصل تأثیر مؤلفه‌های فضای جغرافیایی بر قدرت و رقابت بازیگران است که در چارچوب تحول رویکردهای فضایی، عرصه‌های جدیدی را پیش‌روی بازیگران قرار می‌دهد و سبب تغییر مراکز قدرت از یک منطقه به منطقه دیگر در جغرافیای جهانی می‌شود. بازیگران به‌عنوان بخشی از واقعیت‌های فضای جغرافیایی به دنبال هژمونی در این فضاها هستند. فریدمن ژئوپلیتیک را درک عمیق رابطه جغرافیا و قدرت می‌داند. برداشت ما از ژئوپلیتیک گامی فراتر می‌رود و مدعی فهم عمیقی از جغرافیا و قدرت است به‌گونه‌ای که شما را به انجام دو امر توانمند می‌سازد: اول این که این برداشت به شما کمک می‌کند نیروهایی را که به سیاست بین‌الملل شکل خواهند داد درک کنید و نیز نحوه و چگونگی انجام این کار را بشناسید. دوم این که چنین تلقی از ژئوپلیتیک به شما امکان می‌دهد تا آنچه را که حائز اهمیت است را از آنچه اهمیتی ندارد مورد

شناسایی و تمایز قرار دهید (Friedman & Shapiro, 2017). تاکنون از دانش واژه ژئوپلیتیک تعاریف و تفاسیر مختلف علمی و کاربردی گوناگونی به عمل آمده که به نوعی مخرج مشترک همه آنها روابط متقابل جغرافیا (در مقیاس‌های مختلف) و سیاست در قالب مناسبات قدرت است. به عقیده کوهن: ارتباط قدرت سیاسی بین‌المللی با مناسبات جغرافیایی را ژئوپلیتیک می‌گویند (Kohen 1994). از منظر دادز: «ژئوپلیتیک» رویکرد ویژه‌ای به سیاست‌های جهانی است که بر اهمیت سرزمین و منابع تأکید می‌نماید» (Dodds, 2000: 162). لذا تعریف ژئوپلیتیک تنها به حوزه بین‌المللی و فرا کشوری محدود نیست؛ بلکه بر اساس این تعریف ژئوپلیتیک موضوع‌های مورد مطالعه خود را نه تنها در حوزه روابط بین‌الملل و در مقیاس کروی، بلکه در قلمروهای ملی، ناحیه‌ای و ... نیز در بر می‌گیرد. در واقع ژئوپلیتیک، تجسم جهان به لحاظ مناطق جغرافیایی، منابع طبیعی و دسترسی به دریاها توسط کشورهایی بود که در رقابت با سایر کشورها برای دستیابی به این مناطق و منابع در تلاش بوده و هستند (Clapsa, 2006). اما با وجود این تنوع در درک، گرایش‌ها و اهداف ژئوپلیتیکی، یک استمرار مهمی نیز در روند تحولی مفهوم ژئوپلیتیک دیده می‌شود: تم‌های پایدار جغرافیایی که از طریق گفتمان ژئوپلیتیکی از مبدأ خود در اروپای رنسانس جریان دارد و جهان را یک نهاد واحد می‌بیند و کشورهای سرزمینی، بازیگران در سیاست‌های جهانی‌اند که به دنبال استراتژی‌های تفوق جهانی هستند (Agnew, 2003). سیاست‌های ژئوپلیتیکی به دنبال ایجاد کنترل ملی یا امپریالیستی بر فضا، منابع، جمعیت و ظرفیت‌های اقتصادی است (Blouet, 2001:7).

رقابت ژئوپلیتیکی

ژئوپلیتیک به‌عنوان "دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ" دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی درصدد کسب قدرت و تصرف ابزارها و اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آنها قدرت داده و امکان چیره شدن بر رقیب را می‌دهد (Hafez Nia, 2005:41). از منظر مفهومی، رقابت نوعی ستیز گروهی در سطح روابط بین‌الملل است که مستلزم وجود حکومت‌ها، قدرت‌ها و یا سازمان‌های شبیه به حکومت هست و بسته به شرایط تکامل تاریخی در طی زمان اشکال مختلفی

به خود می‌گیرد (Azghandi & Roshandel, 2009:57) و در مباحث ژئوپلیتیک نقطه کانونی رقابت بر سر «فضا و امتیازات موجود» در آن هست تا از پس آن امکان تحصیل قدرت برای حکومت‌ها و سازه‌های ژئوپلیتیک فراهم آید (Hafez Nia, 2005:17). بر پایه این تعریف در ذات و ساختار جغرافیای سیاسی جهان ویژگی‌ها و واقعیت‌های عینی نهفته است که به صورت بنیادین منطق رقابت را فی‌مابین کشورها و قدرت‌ها ترویج می‌دهد و مبتنی بر روابط بین‌الملل هست. در حقیقت یکی از زیربناهای شکل‌گیری ژئوپلیتیک، عدم انطباق دو الگوی فضایی عرضه و تقاضای منابع حیاتی در جهان هست (Hafez Nia, 2005:18). منابع حیاتی بشر نظیر آب، غذا، انرژی، فلزات و غیره دارای الگوی پخش و پراکندگی خاص خود در سطح کره زمین هست که ویژگی اصلی همه این الگوها توزیع نامتعادل آن‌ها در سطح سیاره زمین هست. از سوی دیگر دو زمینه اصلی «جغرافیای طبیعی و انسانی» زمینه‌ساز تداوم رقابت وجود پایدار قلمروهای جغرافیایی دریایی و قاره‌ای هست. این قلمروها در طول تاریخ حوزه‌هایی را برای توسعه ساختارهای ژئوپلیتیکی متمایز ارائه می‌دهند. تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و نهادهای سیاسی که در این زمینه تکامل یافته‌اند نیز به‌طور کلی دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی متمایزی را به ذهن متبادر می‌کند (Cohen, 1994:78).



شکل شماره ۱، ویژگی های درونی رقابت ژئوپلیتیک (Ahmadi, et al., 2017:203)

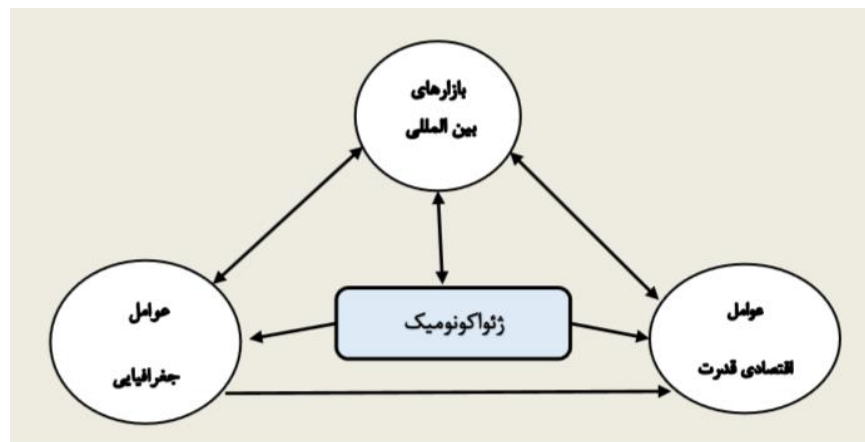
اگرچه ظرف دو دهه گذشته جنگ و خشونت سازمان یافته و به ویژه ایدئولوژیک به نحو چشمگیری کاهش یافته است (Garr, 2003). لیکن این به معنی زوال وجود رقابت به ویژه مابین قدرت ها در جهان امروز نیست. زیرا طبیعت فطری جغرافیا و انسان بدون تغییر است و در سیاست بین الملل نیز فقط اشکال رقابت در طول زمان تغییر می کند (Doherty & Faltzgraf, 2006: 516). امروزه تدوین استراتژی رقابتی یکی از دغدغه های کشورهاست. در ژئوپلیتیک بازیگران اصلی صحنه رقابت کشورهای محلی، منطقه ای، فرا منطقه ای و جهانی هستند. هرچند که این بازیگران جدا از یکدیگر قرار دارند ولی دارای اهداف متقابل هستند. بنابراین در ژئوپلیتیک رقابت مقوله ای چندبعدی است و تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و غیره را شامل می شود. اقدامات کشورها برای بسترسازی زمینه های رقابتی از یک سو و استقرار مکانیزم های بازدارنده کشورهای فرا منطقه ای از سوی دیگر این مقوله پیچیده را تشکیل می دهد. به این خاطر رقابت ژئوپلیتیک می تواند تأثیر بسیار زیادی بر منافع ملی، امنیت ملی و اقتصاد یک کشور داشته باشد. زمینه های جغرافیایی رقابت همسان با زمینه های تعارض ژئوپلیتیک هست چراکه در واقع اختلافات بر سر منابع جغرافیایی اختلافات عمیق و گسترده ای هست که در واقع بی اعتنایی نسبت به آن بی اعتنایی به

منافع کشور هست در منطقه خلیج فارس مسائل مذهبی - ایدئولوژیکی، آب، انرژی، دسترسی و ارتباطات، ترانزیت و حمل و نقل، تسلط بر منابع و ذخایر منطقه و غیره نقش اصلی شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپلیتیکی رقابت‌آمیز میان واحدهای سیاسی را ایفا می‌کنند. در نتیجه توانایی رقابت یک کشور با کشور دیگر در این منطقه بستگی به پتانسیل‌های محیطی، سیاست خارجی در قبال کشورهای قدرتمند منطقه‌ای و جهانی و استراتژی‌های خود کشور بستگی دارد. و یک کشور در صورتی می‌تواند رقابت را ادامه می‌دهد که توان لازم را برای تأثیرگذاری بر عوامل بالا داشته باشد (Mousavi Shahidi, 2021).

۲- ژئواکونومی

در نظام بین‌المللی توزیع قدرت به میزان زیادی تحت تأثیر اقتصاد ژئوپلیتیکی و یا همان ژئواکونومی می‌باشد. دو تن از جغرافیدانان سیاسی به نام‌های جان اگنیو و استوارت کوربریج پیش از دیگران بر پیوستگی روابط جغرافیا با مسائل اقتصادی و تأثیر آن بر سلطه و وابستگی سیاسی معتقد بوده‌اند. در واقع، اقتصاد ژئوپلیتیکی، در میان سایر مسائل، با روابط متقابل بین قدرت‌های بزرگ، سیستم سیاسی بین‌الملل و فرایندهای اقتصادی مربوط به آن‌ها ارتباط دارد (Dodds, 2000: 59). «ادوارد. ان. لتواک» در سال ۱۹۹۰، پارادایم ژئواکونومی را با مفهومی گسترده وارد روابط بین‌الملل، جغرافیای سیاسی و سایر دانش‌های سیاسی مرتبط با تحلیل‌های کلان بین‌المللی کرد. به باور لتواک: امروزه در سده بیست و یکم، به نظر می‌رسد تمامی افراد بشر بر این اعتقادند که روش‌های اقتصادی جایگزین روش‌های نظامی گردیده و در همین جهت سرمایه‌های قابل مصرف به جای توان نظامی، نوآوری‌های غیرنظامی به جای پیشرفت‌های فنی نظامی و بازارها به جای پادگان‌ها و پایگاه‌ها قرار گرفته‌اند (Luttwak, 1990). این تغییر جهت‌ها و ارتباط مفاهیم جدید با یکدیگر، نشان‌دهنده شروع یک عصر ویژه در سده بیست و یکم است که از آن به‌عنوان عصر ژئواکونومیک نام می‌برند. عده‌ای معتقد هستند که ژئواکونومیک استفاده از ابزارهای اقتصادی برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیک است. تعاریف دیگر تأکید بر چگونگی خم شدن عضلات

ژئوپلیتیک برای رسیدن به نتایج اقتصادی گسترده تأکید می‌کند، می‌توان گفت که ژئواکونومیک تعامل بین اقتصاد بین‌الملل، ژئوپلیتیک و استراتژی می‌باشد (Petsinger et al, 2019). اصطلاح ژئواکونومیک در فرهنگ وبستر عبارت است از: «ترکیبی از عوامل اقتصادی و جغرافیایی که بر تجارت بین‌الملل تأثیر گذارند». تعریفی دیگر: «یک سیاست دولتی که توسط اقتصاد جغرافیایی هدایت می‌شود» (Merriam-Webster 2019). مجتهد زاده می‌نویسد، ژئواکونومیک رویکردی در تحلیل مسائل بین‌المللی به‌ویژه رقابت دولت‌های بزرگ در مناطق حساس جهانی است که در آن به جغرافیا، قدرت و اقتصاد در تعامل با یکدیگر توجه می‌شود. از نظر بلکول و هاریس^۱، ژئواکونومیک عبارت است از: استفاده از ابزارهای اقتصادی برای ارتقا و محافظت از منافع ملی، ایجاد نتایج ژئوپلیتیکی مفید و تأثیر سایر عملکردهای اقتصادی در اهداف ژئوپلیتیک کشور (Blackwill & Harris 2016). هدف ژئواکونومیک استفاده از ابزارهای اقتصادی برای افزایش ثروت، تأمین منافع ملی، بهره‌برداری از مزیت‌های ژئوپلیتیک و بهره‌مندی از شبکه ارتباطات و اقدامات اقتصادی سایر بازیگران در بستر جغرافیا است.



شکل شماره ۲: سه کلیدواژه بنیادین در ژئواکونومیک
(Petsinger et al, 2019)

1- Blackwill and Harris

عده‌ای معتقد هستند که ژئواکونومیک استفاده از ابزارهای اقتصادی برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیک است. تعاریف دیگر تأکید بر چگونگی خم شدن عضلات ژئوپلیتیک برای رسیدن به نتایج اقتصادی گسترده تأکید می‌کند، می‌توان گفت که ژئواکونومیک تعامل بین اقتصاد بین‌الملل، ژئوپلیتیک و استراتژی می‌باشد (Petsinger, 2016).

نظام بین‌المللی توزیع قدرت به میزان زیادی تحت تأثیر اقتصاد ژئوپلیتیک و یا همان ژئواکونومی می‌باشد. دو تن از جغرافیدانان سیاسی به نام‌های جان اگنیو و استوارت کوربریج پیش از دیگران بر پیوستگی روابط جغرافیا با مسائل اقتصادی و تأثیر آن بر سلطه و وابستگی سیاسی معتقد بوده‌اند (Dodds, 2000: 59). در رویکرد ژئواکونومیک به مسائل جهانی، دولت‌ها تنها بازیگران بانفوذ و قدرتمند در عرصه سیاست بین‌الملل به شمار نمی‌آیند. فعالیت شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های غیردولتی و شرکت‌های اقتصادی نیز در این زمینه مهم بوده و باید مورد توجه قرار گیرند. روشن است که دولت‌ها مجبور هستند نه تنها در داخل سیستم اقتصاد جهانی عمل کنند و از سرمایه و تکنولوژی که مرزهای سرزمینی را درنور دیده، استفاده کنند، بلکه مجبورند در محیطی فعالیت نمایند که تحت تأثیر فعالیت شرکت‌های تجاری و بازرگانی است که در بیشتر کشورها و مناطق فعالیت دارند. تحلیل‌های سیاست بین‌الملل اغلب الگوهای روابط اقتصادی را مورد غفلت قرار داده و آن‌ها را نادیده می‌گیرند و ساختار سیاست بین‌الملل را به کنش و عمل متقابل دولت‌ها از طریق حوزه‌های سیاسی و دیپلماتیک محدود می‌کنند. در صورتی که روابط بین‌الملل باید عمل متقابل اقتصاد جهانی و قدرت دولت‌ها نیز باشد. مباحث ژئوپلیتیک شامل اهمیت جغرافیایی دادن به مکان‌ها و مناطق مختلف می‌باشد که این مناطق به‌طور گسترده و وسیع دارای منافع مادی و اقتصادی می‌باشند. در واقع، اقتصاد ژئوپلیتیک، در میان سایر مسائل، با روابط متقابل بین قدرت‌های بزرگ، سیستم سیاسی بین‌الملل و فرایندهای اقتصادی مربوط به آن‌ها ارتباط دارد.

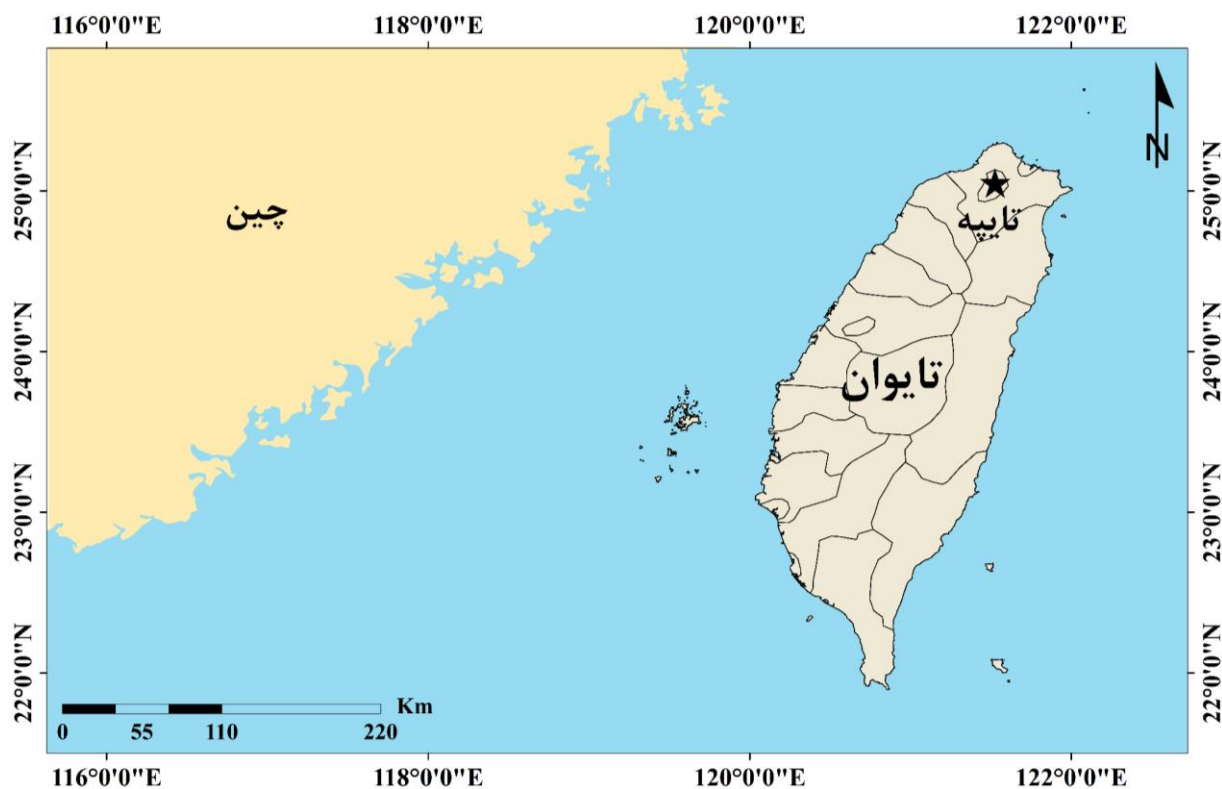
روش تحقیق

روش این پژوهش بنا به اهمیت موضوع در شرایط کنونی، تحلیلی-مقایسه‌ای است. این پژوهش از اطلاعات و مستندات کتابخانه‌ای، اعم از منابع مهم و معتبر خارجی و داخلی نظیر منابع موجود در حوزه‌های روابط بین‌الملل، جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، اقتصاد سیاسی و آمار و ارقام معتبر بین‌المللی جهت اثبات رویکرد این مقاله استفاده شده است. همچنین از نظرات اساتید صاحب‌نظر در این حوزه جهت تقویت استدلال‌های علمی استفاده شده است. پژوهش فرارو در هنگام تجزیه و تحلیل مستندات، از استدلال‌های علمی و عقلانی استفاده کرده و به یک نتیجه‌گیری کلان آینده‌شناسی اقتصادی و ژئوپلیتیکی کشور تایوان دست یافته است.

یافته‌ها و بحث

تایوان جزیره‌ی نسبتاً کوچک اما دارای موقعیت استراتژیک و پر نزاع و کشمکش در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی در فاصله ۱۵۰ کیلومتری سواحل جنوب شرقی چین و در شمال غربی منطقه پهناور آسیا - پاسیفیک قرار دارد. این جزیره از بعد مساحت ۲۹۷ هزار بار کوچک‌تر از چین و ۵۶ هزار بار از حیث جمعیت کوچک‌تر است، ولی به مدت ۷ دهه با چین شاخ‌به‌شاخ و در حال رقابت و منازعه سیاسی و ژئوپلیتیکی برای باقی ماندن در عرصه جغرافیای سیاسی جهان و ادامه حیات سیاسی در نظام جهانی بوده است. تایوان از ابتدای حیات سیاسی خود تاکنون مدیون بال‌های بلند آمریکا از شرق پاسیفیک بر فراز سر خود در مقابل دهان گشوده ازدهای چینی است، که اگر نبود تاکنون مرگ و جذبش به سرزمین مادر فرا رسیده بود (Zarei, 2018:430). تایوان با وسعت ۳۲،۲۶۰ کیلومتر مربع مساحت، از یک سرزمین مرکزی با چند مجمع‌الجزایر بنام پنگهو (پسکادورس)، چینمن (کموی)، ماتسو و هوئوشائو و... تشکیل شده است. این کشور با جمعیتی حدود ۲۴ میلیون نفر یکی از پرتراکم‌ترین مناطق و کشورهای جهان (۷۴۴ هزار نفر در هر کیلومتر مربع)، شناخته می‌شود. طول محیط ساحلی این جزیره ۱۵۶۶ کیلومتر است که نقش مهمی برای احداث بنادر و تجارت دریایی برای کشور جزیره‌ای گرمسیری پرباران دارد. تایوان تا قبل از ۱۸۹۵ تحت سیطره سلسله پادشاهی کینگ که بر چین حکومت می‌کردند قرار داشت. اما در جنگ

اول ژاپن با چین در سال ۱۸۹۵ که به پیروزی ژاپن ختم شد بر تایوان مسلط شد و این سلطه تا سال ۱۹۴۵ و شکست ژاپن از متفقین ادامه یافت. استعمارگران ژاپنی طی این مدت الگوی میجی را که مبتنی بر برنامه‌ریزی دقیق و مالکیت حکومت بر منابع عمده بود در تایوان پیاده کردند. در مجموع به قول آمسدن میراث پایدار ژاپن ایجاد زیرساخت‌های کشاورزی، صنعتی، نظم و قانون برای توسعه آینده تایوان بود (Amsden, 1979: 343).



نقشه شماره ۱، کشور تایوان، تنگه استراتژیک تایوان و همسایگی چین را نشان می‌دهد

(Authors)

با ظاهر شدن نشانه‌های شکست در ارتش ژاپن در جنگ جهانی دوم، متفقین شروع به تعیین تکلیف مناطق تحت حاکمیت این کشور کردند. بدین ترتیب در سال ۱۹۴۵ ژنرال داگلاس مک

آرتور فرمانده نیروهای متفقین در پاسیفیک بر اساس توافق‌هایی که بین متفقین در قاهره صورت گرفته بود، تایوان را به رژیم ملی‌گرای کومیتانگ که تحت رهبری چیان کای شک بر چین حکومت می‌کرد و متحد متفقین شناخته می‌شد واگذار نمود. در سال ۱۹۴۹ کمونیست‌های چینی توانستند رژیم کومیتانگ را شکست داده، نظام سیاسی کمونیسم را بر سراسر قلمرو چین برقرار کنند. پس از آن تایوان به‌عنوان آخرین پناهگاه ارتش مضمحل شده کومیتانگ درآمد و این رژیم که به‌عنوان یکی از پایگاه‌های مقابله با کمونیسم به‌شدت از سوی آمریکا حمایت و پشتیبانی می‌شد، از همان زمان در رؤیای بازپس‌گیری دوباره سرزمین چین تلاش گسترده‌ای را برای توسعه تایوان و تقویت بنیه اقتصادی و دفاعی آن آغاز کرد. دلفروز می‌نویسد: این جزیره کم وسعت هر لحظه خطر اشغال به‌وسیله کمونیست‌ها را احساس می‌کرد و همین امر انگیزه مضاعفی برای توسعه این کشور بود. در واقع هدف اولیه حکومت ملی‌گرای کومیتانگ به‌صراحت نظامی و ژئوپلیتیک بود و نه اقتصادی. در این برهه، کومیتانگ تنها یک هدف داشت و آن‌هم بازسازی نظامی خود به‌منظور اشغال مجدد سرزمین چین بود (Delfrooz, 2014: 88). کای شک در ابتدا تلاش کرد رویه‌های فسادآلود گذشته را که در دوره حکومتش در چین رواج داشت، اصلاح کرده و تایوان را به‌الگویی برای کل سرزمین چین تبدیل کند. در واقع این حزب شبه‌لنینیستی که تمرکز قدرت بر آن حاکم بود، تنها راه تحکیم قدرت خود را تضمین رفاه مردم می‌دانست. هم‌چنین موفقیت برنامه توسعه این حزب جهت جلب حمایت چینی‌های سراسر جهان برای مبارزه با رژیم کمونیست سرزمین اصلی چین اهمیت بسیاری داشت (Castells, 1999: 326). تایوان ابتدا پس از رهایی از استعمار ژاپن کشوری کشاورزی بود و در اوایل دهه ۵۰ یکی از فقیرترین کشورهای جهان از نظر درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی محسوب می‌گشت و کشوری کشاورزی شناخته می‌شد که عمده محصولاتش شکر، برنج و چای تشکیل می‌داد. در چنین شرایط سیاسی - اقتصادی دولت اصلاحات ارضی دوره استعمار را ادامه داد و زمین‌ها به‌طور گسترده بین مردم توزیع شدند و زمین‌داران بزرگ یا ورشکسته شدند یا به صنعت روی آوردند. این کشور بین دهه ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ شاهد رشد بالا در بخش کشاورزی و اثرات مثبت سرریزکننده در بخش صنعت بود. رشد بالا در

بخش کشاورزی اغلب نتیجه‌ی افزایش بهره‌وری و اصلاح و بهبود روش‌های کشت بود. اصلاحات ارضی رژیم شبه سرمایه‌داری چیانگ کای شک در تایوان برای سرمایه صنعتی، نیروی کار، مازاد سرمایه و ارز فراهم کرد (Amsden, 1979: 363). دولت تایوان تا اواسط دهه ۱۹۵۰ راهبرد توسعه روستایی و جایگزینی واردات را دنبال کرده سپس در اواخر همین دهه و اوایل دهه ۱۹۶۰ به سمت صادرات کاربر تغییر مسیر داد و تا اوایل دهه ۷۰ به سمت تعمیق و ارتقای فرآیند صنعتی شدن حرکت نمود. در اواخر دهه ۵۰ سیاست جایگزینی واردات برای تایوان دیگر قابل پیگیری نبود، چراکه به واسطه کاهش کمک‌های آمریکا و افزایش هزینه‌های نظامی ناشی از تهدیدات چین دولت تایوان را به عدم توازن شدید پرداخت‌ها مواجه شد. از این رو سیاست ترویج صادرات در دستور کار قرار گرفت که این امر سبب افزایش تمرکزگرایی دیوان‌سالارانه تحت رهبری فن‌سالاران شد. همچنین همکاری دولت و بخش خصوصی نیز بیش از پیش نهادینه شد و یک بخش خصوصی سازمان‌یافته در این برنامه مشارکت جست. مرحله آخر که ارتقای صنعتی بود از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز شد. در این مرحله، تایوان از صنایع کاربر به صنایع سرمایه‌بر و دارای فناوری برتر که قابلیت بیشتری برای رقابت در عرصه بین‌المللی داشتند، روی آورد (Doner, 2005: 341-345).

ویژگی‌ها و تحولات ژئواکونومیکی تایوان

در سال ۱۹۸۸، دولت به صنایع اجازه داد تا در چین سرمایه‌گذاری و تولید کنند که این مسئله موجب یک انتقال پویا گشت و مقدار زیادی از سرمایه‌گذاری‌های جدید به سرزمین اصلی (هنگ کنگ سابق) فرستاده شد. تا سال ۱۹۸۸ تایوان بیش از ۳۵ میلیارد دلار در چین سرمایه‌گذاری کرده بود و بعد از هنگ‌کنگ دومین سرمایه‌گذار آنجا تبدیل شد. در سال ۱۹۹۷، دولت تایوان به دلایل سیاسی محدودیت‌های جدیدی برای این دادوستدها در چین تعیین نمود. این محدودیت‌ها سرمایه‌گذاری‌ها را به ۵۰ میلیون دلار کاهش داد و بقیه سرمایه‌گذاری‌ها را به امور زیربنایی مانند سرمایه‌گذاری در راه‌سازی، نیروگاه‌ها، ارتباطات و سیستم‌های مخابرات و امکانات بنادر اختصاص

داد؛ اما با وجود مخالفت صنایع تایوان و به دلیل تحرک سایر کشورها برای در دست گرفتن تجارت چین، به نظر نمی‌آمد که این ممنوعیت‌ها بتوانند چندان پایدار بمانند. علاوه بر این، در یک مقطع مشخص، پیوند اقتصادی بین چین و تایوان چندان مهم شد که هرکدام از طرفین حاضر به کوتاه آمدن از خواسته‌هایشان شدند. در سال ۱۹۸۸، چین ۱۶ درصد از صادرات تایوان را به خود اختصاص داد. تولیدات تایوانی روزبه‌روز بیشتر در سرزمین اصلی مستقر شده‌اند. در آینده هیسایمن، بندر چینی رو به روی تنگه تایوان، باید برای پیوند این دو اقتصاد به حلقه‌ای دیگر تبدیل شود. ۵ هزار نفر از تجار تایوانی، هم‌اکنون در آن منطقه اقامت دارند. با احتساب هزینه نیروی کار در سرزمین اصلی (چین) که تنها یک پنجم هزینه نیروی کار در تایوان است. سرمایه‌گذاری تایوان در چین بازده کلانی خواهد شد. اگر هزینه تولیدات در کائو‌هسیونگ و تایپه بالا رود، زندگی در سرزمین اصلی بسیار دلخواه‌تر هم می‌شود. مجله اکونومیست در سال ۱۹۹۸ نتیجه می‌گیرد که: شرکت‌های تایوانی در حال تبدیل شدن به شرکت‌های مجازی هستند. نمایندگی‌های بسیار کوچکی در تایپه اکنون تولیدات صنعتی گسترده و امکانات زیادی را در سراسر دنیا ارائه می‌دهند. سود در خارج از مرزها حاصل می‌شود و به‌طور فزاینده‌ای در همان خارج سرمایه‌گذاری می‌شود. در طول ۸ سال گذشته شرکت‌های تایوانی ۸۰ میلیارد دلار در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند و ۳۰۰ هزار نفر از بهترین شهروندانشان، برای مدیریت این سرمایه‌گذاری‌ها خارج شده‌اند (Rosecrance, 2001: 198).

کاستلز معتقد است: بر خلاف کره جنوبی که توسعه خود را از طریق تشکیل مجتمع‌های بزرگ صنعتی یا همان چابول‌ها دنبال می‌کرد و نیز برخلاف سنگاپور که سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی نقش مسلط را در اقتصاد این کشور بر عهده داشت، نقش اصلی در توسعه تایوان بر عهده‌ی شبکه انبوه شرکت‌های کوچک و متوسط داخلی و خانوادگی بود و سرمایه‌گذاری‌های خارجی نقش به‌مراتب محدودتری داشت (Castells, 1999: 305). حکومت تایوان از طریق تدوین سیاست‌ها، اجرای مؤثر آن‌ها و هدایت فعالان اقتصادی به سمت حوزه‌های مورد نظر، نقش مهمی در توسعه تایوان ایفا نمود. طی سال‌های متمادی به‌ویژه تا قبل از دهه ۱۹۹۰، حکومت تایوان

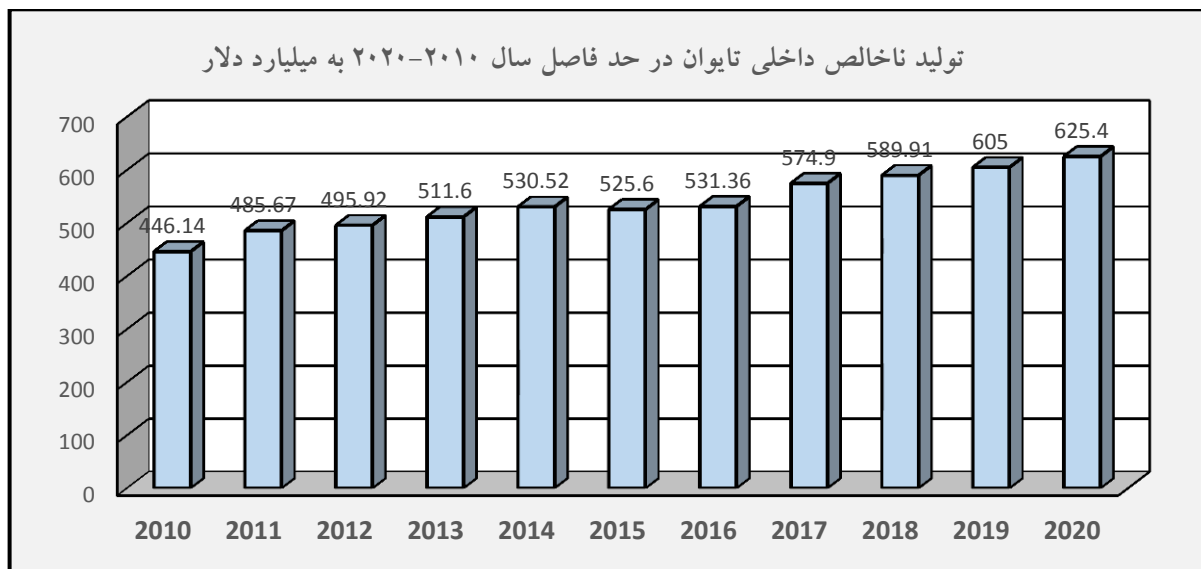
سیاست‌هایی از جمله استفاده گسترده از موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای برای واردات (به‌ویژه در بخش کشاورزی)، سیاست‌های اعتباری گزینشی به نفع بخش‌های اقتصادی خاص، تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاران برای حرکت به سمت صادرات کالاهای کارخانه‌ای، اتخاذ سیاست‌های صنعتی بخشی برای حمایت از صنایع خاص و ارتقای شرکت‌های دولتی را دنبال نمود. همچنین، حکومت پارک‌های صنعتی خاصی را ایجاد نمود که در آن‌ها شرکت‌های تحقیقاتی صنعتی از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بودند. نهادهایی نیز برای شناسایی، انتقال، جذب و انتشار فناوری‌های صنعتی خارجی و ایجاد نوآوری‌های جدید تأسیس شد تا تایوان با سهولت بیشتری بتواند به سمت تولید محصولات برخوردار از فناوری برتر حرکت کند (Knivial, 2007: 309). با مرگ چیان کای شک در سال ۱۹۷۵ خللی در پیشرفت اقتصادی تایوان به وجود نیامد بلکه با برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که از چندی پیش صورت گرفته بود، حرکت به سمت تولیدات پیشرفته‌تر تسریع شد. حکومت تایوان مؤسسه تحقیقات فناوری صنعتی را در سال ۱۹۷۲، مؤسسه صنعت اطلاعات را در سال ۱۹۷۹ و پارک صنعتی دانش‌بنیان هسینجو را در ۱۹۸۰ تأسیس کرد که همه از عوامل کلیدی تغییر جهت اقتصاد به سمت تولیدات دارای فناوری برتر بودند (Su, 2001: 59).

حکومت تایوان طی چندین دهه تلاش بی‌وقفه به موفقیت‌های قابل توجهی در حوزه اقتصادی دست یافت، به طوری که در نیم سده گذشته متوسط رشد سالانه آن ۸/۴ درصد بوده است که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به حدود ۱۰ درصد نیز رسید. این رشد اقتصادی به شدت مبتنی بر رشد تولیدات کارخانه‌ای بوده است که از دهه ۱۹۶۰ به این سو از جهت‌گیری صادراتی برخوردار شده است، تولیداتی که مرحله به مرحله از فناوری‌های پیشرفته برخوردار بوده است (Knivial, 2007: 309). در دهه ۱۹۸۰ این کشور در تولیدات و صادرات بسیاری از کالاها از جمله کفش، چتر، دوچرخه، راکت‌های تنیس، چرخ خیاطی، موتورهای کوچک و تایر دوچرخه مقام اول در جهان را به خود اختصاص داده بود. تا سال ۱۹۸۶ تایوان در تولید قطعات رایانه، قایق‌های تفریحی، ماشین‌های حساب، تلفن و اسکنر نیز در جهان مقام اول را در جهان داشت. این روند در دهه ۱۹۹۰ نیز تداوم یافت و در این دهه تایوان از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان رایانه‌های شخصی و

قطعات آن‌ها، اسکنرها و به‌طور کلی فناوری اطلاعاتی و ارتباطی در جهان به شمار می‌رفت و از این حیث شاید تنها از آمریکا و ژاپن عقب‌تر بود (Laurie, 1999: 22). تعدادی از شرکت‌های تایوانی به تأمین‌کنندگان عمده شرکت‌های بزرگ الکترونیک از قبیل دی‌ای سی و آی بی ام تبدیل شدند، در حالی که سایر شرکت‌ها که در چارچوب شبکه‌ها با یکدیگر پیوند یافته بودند کارگاه‌هایی را در دره سیلیکون و دیگر مناطق آمریکا احداث کردند و مستقلاً به کار خود رونق دادند. دولت به دیگر بخش‌های صنعتی از قبیل صنایع پوشاک و نساجی توصیه کرد با افزایش کیفیت و ارزش محصولات خود بر محدودیت سهمیه واردات در بازارهای خارجی که اغلب برحسب حجم تولیدات محاسبه می‌شود فائق آیند. تا اواسط دهه ۸۰، تایوان به اقتصادی بالغ تبدیل شده بود که جای پای محکمی در بازارهای جهانی و بزرگ‌ترین ذخایر ارزی در جهان را داشت. شرکت‌های تایوانی احساس می‌کردند آن‌قدر قوی هستند که بتوانند به بازار چین دست یابند، از طریق هنگ‌کنگ در این کشور سرمایه‌گذاری کنند و به یکی از بازیگران و شرکای اصلی در معجزه اقتصادی چین تبدیل شوند.

تولید ناخالص داخلی این کشور بین سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۸۶، ۳/۶ برابر شد. در دهه ۱۹۸۰ شرکت‌های تایوانی بازارهای جهانی را تسخیر کردند و به تولید و سرمایه‌گذاری‌های خود در آسیا به‌ویژه چین و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ابعادی بین‌المللی بخشیدند. به دلیل افزایش دستمزدها و سازماندهی روزافزون کارگران در تایوان و سختگیری در مورد سهمیه‌های صادراتی این کشور، بزرگ‌ترین شرکت‌های تایوانی به تولید برون‌مرزی در چین و کشورهای آسیای جنوب شرقی روی آوردند. به‌عنوان مثال تایوان در حال حاضر بزرگ‌ترین تولیدکننده کفش در جهان است، ولی بخش عظیمی از تولیدات کفش آن در چین انجام می‌شود (Castells, 1999: 304). صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۶ تولید ناخالص داخلی تایوان را ۵۱۹،۱۴۹ میلیارد دلار اعلام کرد که به‌عنوان بیست و دومین اقتصاد برتر جهان بالاتر از مالزی، سوئد، آفریقای جنوبی، سنگاپور و ایران قرار دارد که نشان از توانایی تولید عظیم کالا، همکاری و همراهی با اقتصاد جهانی، سیاست خصوصی‌سازی موفق، پویایی و قدرت اقتصاد صنعتی برتر این

کشور نسبت به بسیاری از کشورهای بزرگ با منابع معدنی و جمعیت چند برابر این کشور را دارد (IMF, 2017). بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۹ تایوان با ۶۰۵ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی و در سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی ۶۱۵ میلیارد دلار را کرده است (World Bank, 2020). نمودار زیر این پیش‌بینی را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۳: میزان تولید ناخالص داخلی تایوان از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ را نشان می‌دهد

(World Bank, 2021)

جدول شماره ۱: صادرات کالاها و خدمات آمریکا به تایوان در سال ۲۰۲۱ را نشان می‌دهد

نوع کالا	الکترونیک	اطلاعات	فلزات اساسی	پلاستیک و لاستیک	ماشین‌آلات
درصد صادرات	۳۳/۱	۱۰/۸	۸/۸	۷/۱	۷/۵

(census.gov, 2022)



شکل شماره ۴: حجم واردات آمریکا از تایوان از ۱۹۸۵ تا ۲۰۲۱ را نشان می‌دهد

(Statista, 2022)

وقتی به مساحت و منابع بسیار اندک این کشور می‌نگریم و قدرت اقتصادی و تولیدی شگرف آن، اهمیت و جایگاه اقتصادی، سیاسی و امنیتی تایوان برای چین فردا بیشتر روشن می‌شود. یکی از ویژگی‌های بارز تایوان کاربست دانش و پژوهش‌های حاصل از تحقیق و توسعه در اقتصاد این کشور پویا و توانا است. این کشور در سال ۲۰۱۶ حدود ۲.۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را به تحقیق و توسعه (R&D) اختصاص داده که مبلغی به میزان ۲۵.۹۵ میلیارد دلار و در ردیف چهاردهمین کشور برتر جهان از بعد کاربست تحقیق و توسعه قرار دارد (Shirzadi, 2011: 28). اگر این مبلغ را بر جمعیت تایوان تقسیم کنیم سهم هر تایوانی از بودجه تحقیق و توسعه حدود یک میلیون و چهل هزار دلار می‌شود که بودجه بسیار مناسب و مطلوبی برای کارهای پژوهشی این کشور است حال آن‌که سرانه خود نشان و نماد اهمیت تحقیق در حوزه اقتصاد دانش‌محور تایوان را می‌دهد. پژوهشی کشور چین حدود ۲۹۱ هزار دلار می‌شود و بودجه تایوان در این زمینه بیش از سه و نیم برابر چین است. این موضوع در تایوان نیز همچون سایر بره‌های آسیا، یکی از عوامل مهم در افزایش بهره‌وری اقتصادی، بهره‌وری نیروی کار بود که از طریق ترکیبی از دستمزدهای کم،

آموزش مناسب، سخت‌کوشی و آرامش اجتماعی به‌دست‌آمده است. بر اساس ارزیابی مجمع جهانی اقتصاد، میزان رقابت‌پذیری اقتصاد تایوان بعد از آمریکا، سنگاپور و هنگ‌کنگ در رده چهارم جهانی قرار دارد. رشد تایوان تا حد زیادی به‌واسطه بهره‌وری و توانایی رقابت که ناشی از سیستم تولید انعطاف‌پذیر بود میسر شد که قبل از این‌که دانشمندان آمریکایی آن را در شمال ایتالیا کشف کنند، در تایوان اعمال می‌شد. این انعطاف‌پذیری هم در خود ساختار صنعتی وجود داشت و هم در انطباق‌پذیری کلی آن با شرایط متغیر اقتصاد جهانی که با هدایت دولتی مقتدر اجرا می‌شد و در مراحل ابتدایی توسعه از حمایت و مشورت سازمان آمریکایی توسعه بین‌المللی برخوردار بود. موفقیت ژئواکونومیکی تایوان از دهه ۱۹۶۰ به بعد در میان کشورهای در حال توسعه بی‌نظیر بود. یکی از عوامل موفقیت این کشور وجود دولت فعال بوده است. دیوانسالاری ابزاری برای دگرگونی محسوب می‌شود و نه عاملی در جهت بازداري فعاليت‌های بخش خصوصی. دولت نه جایگزین بلکه مشوق بخش خصوصی بوده و از سیاست‌های انگیزشی برای بروز توانایی‌های بالقوه بخش خصوصی در جهت تحقق هدف‌های اقتصاد ملی بهره گرفته و ارتباط بین دولت و بخش خصوصی در این کشور اغلب سازنده بوده است. دولت در این کشور توانست ضمن فراهم آوردن ثبات سیاسی و وفاق ملی، سیاست‌های انعطاف‌پذیر، واقع‌گرایانه و مدبرانه را دنبال کند و این سیاست‌ها را نیز با موفقیت به اجرا درآورد (Shirzadi, 2011:28). بخشی از موفقیت تایوان را می‌توان در مؤلفه‌های زیر جست‌وجو نمود:

- ۰۱ دولت توسعه‌گرا و نظام اداری کارآمد؛
- ۰۲ اهمیت مسئله بقا به‌عنوان نیروی برانگیزاننده؛
- ۰۳ وجود قشر بسیار موفق بنام نخبگان توسعه‌گرا؛
- ۰۴ برخوردار از نیروی کار ارزان، منضبط و پرانگیزه؛
- ۰۵ ارتباطات مؤثر جهانی؛
- ۰۶ فرهنگ کنفوسیوسی و وجود بسترهای مناسب فرهنگی (اخلاق کار)؛
- ۰۷ ثبات سیاسی.

جدول زیر نوع کالاهای صادراتی و وارداتی عمده تایوان را به ما نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. میزان صادرات و واردات تایوان در سال ۲۰۲۱ را نشان می‌دهد

نوع محصول صادراتی	ارزش صادرات	درصد	نوع محصول وارداتی	ارزش واردات	درصد
تجهیزات الکتریکی	۱۲۰ میلیارد دلار	۴،۴۳٪	تجهیزات الکتریکی	۳،۵۷ میلیارد دلار	۷،۲۸٪
ماشین‌ها موتورها و پمپ‌ها	۳۳ میلیارد دلار	۸،۱۱٪	نفت	۴۰ میلیارد دلار	۱۶،۴٪
پلاستیک‌ها	۵،۱۹ میلیارد دلار	۶،۷٪	ماشین‌آلات و انواع پمپ	۲۷،۳ میلیارد دلار	۱۱،۹٪
تجهیزات فنی و دارویی	۸،۱۸ میلیارد دلار	۶،۴٪	مواد دارویی و تجهیزات فنی	۱۰،۳ میلیارد دلار	۴،۵٪
نفت	۶،۱۲ میلیارد دلار	۴،۱٪	مواد شیمی آلی	۸،۱ میلیارد دلار	۳،۵٪
ماشین‌آلات سنگین	۲،۱۱ میلیارد دلار	۳،۶٪	آهن و فولاد	۷،۲ میلیارد دلار	۳،۲٪
محصولات شیمی آلی	۶،۹ میلیارد دلار	۳،۱٪	وسایل نقلیه	۷،۴ میلیارد دلار	۳،۵٪
آهن و فولاد	۸،۸ میلیارد دلار	۲،۸٪	پلاستیک	۶،۷ میلیارد دلار	۲،۹٪
محصولات آهنی و فولادی	۵،۸ میلیارد دلار	۲،۶٪	سایر کالاهای شیمیایی	۶،۱ میلیارد دلار	۲،۷٪
سایر محصولات شیمیایی	۹،۳ میلیارد دلار	۱،۳٪	سنگ‌ها و فلزات قیمتی	۴،۷ میلیارد دلار	۲،۱٪

OEC,2021

بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۲۱ تولید ناخالص داخلی تایوان ۷۸۶ میلیارد دلار بوده است. در همین سال صادرات این کشور ۲۵،۱ درصد کل اقتصاد خارجی آن کشور را نشان می‌دهد. از منظر چشم‌انداز قاره‌ای ۷۲،۷ درصد ارزش صادرات کالاهای تایوان به سمت کشورهای قاره آسیا ارسال شده است. بعد از آسیا بازار آمریکا دومین مقصد کالاهای صادراتی تایوان بوده است که ۱۳،۹ درصد از کل صادرات این کشور را در برمی‌گیرد. سومین بازار هدف کالاهای صادراتی تایوان اتحادیه اروپاست که ۹،۱ درصد از کالاهای آن به این اتحادیه صادر می‌شوند و حدود ۱ درصد نیز محصولات این کشور به قاره آفریقا ارسال شده است.

بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول واردات تایوان در سال ۲۰۲۱ حدود ۲۲۸،۵ میلیارد دلار بوده که معادل ۱،۲ درصد کل واردات جهانی از حدود ۱۸،۷۲۹ تریلیون دلار بوده است. به زبان آمار و از منظر چشم‌انداز قاره‌ای ۶۶،۵ درصد کل واردات تایوان در این سال از قاره آسیا بوده است. دومین کشوری که بعد از قاره آسیا نیازهای بازار مصرف تایوان را تأمین می‌کند دوست همیشگی و حامی امنیتی این کشور یعنی آمریکا است که به‌تنهایی ۱۲،۵ درصد واردات تایوان از

این کشور است. بیشتر محصولاتی که تایوان از آمریکا وارد می‌کند شامل تجهیزات الکتریکی، خدمات، انواع ماشین‌آلات و داروها و محصولات کشاورزی است که رقم ۳۷ میلیارد دلار در این سال ثبت شده است. آمریکا در سال ۲۰۲۱ بالغ بر ۷۷ میلیارد دلار به تایوان صادرات داشته است (FDI, 2021) کرده است. پس از چین، آمریکا و ژاپن، اتحادیه اروپا به‌عنوان چهارمین واحد سیاسی تأمین‌کننده نیازهای بازار تایوان قرار دارد که همواره در کنار آمریکا و در برابر چین از تایوان حمایت و در صورت نیاز دفاع می‌کند، است و به میزان ۱۲.۱ درصد از نیازهای وارداتی تایوان را بر عهده دارد. عمده محصولات اتحادیه اروپا به تایوان محصولات نیمه پایانی، ماشین‌آلات و ابزارهای دقیق اندازه‌گیری هستند. قاره آفریقا با ۱.۴ درصد صادرات به تایوان اگرچه به لحاظ میزان اندک است اما نسبت به آمریکای لاتین، استرالیا و آمریکای مرکزی جایگاه بهتری را در تأمین نیازهای تایوان ایفا می‌کند.

جدول شماره ۳: کشورهای واردکننده کالا و خدمات از تایوان در سال ۲۰۲۱

نام کشور	میزان واردات	درصد واردات	نام کشور	میزان صادرات	درصد صادرات
چین	۷۱،۱ میلیارد دلار	۲۵،۴٪	چین	۸۵ میلیارد دلار	۲۷،۱٪
هنگ کنگ	۳۸ میلیارد دلار	۱۳،۶٪	هنگ کنگ	۴۲ میلیارد دلار	۱۳،۲٪
آمریکا	۳۴،۳	۱۲،۲٪	آمریکا	۳۴ میلیارد دلار	۱۰،۹٪
ژاپن	۱۹،۳	۶،۹٪	سنگاپور	۲۰،۱ میلیارد دلار	۶،۷٪
سنگاپور	۱۷،۲	۶،۲٪	ژاپن	۱۹ میلیارد دلار	۶،۴٪
کره جنوبی	۱۲،۵	۴،۵٪	کره جنوبی	۲۰ میلیارد دلار	۵٪
ویتنام	۹،۵	۳،۴٪	ویتنام	۱۸ میلیارد دلار	۴،۲٪
فیلیپین	۷،۴	۲،۷٪	تایلند	۱۰ میلیارد دلار	۲،۵٪
مالزی	۷،۱	۲،۵٪	مالزی	۸ میلیارد دلار	۲٪
آلمان	۵،۹	۲،۱	اندونزی	۶ میلیارد دلار	۱،۵٪

ING.2021

با نگاهی به جدول فوق می‌توان آموزه‌های زیادی از رفتار اقتصادی چین و تایوان در اقتصاد سیاسی جهان امروز آموخت. تایوان چین را دشمن درجه‌ی یک خود می‌داند و چین این کشور را جزئی از قلمرو جغرافیای سیاسی خود محسوب می‌کند و در تمام نقشه‌های جغرافیای سیاسی و

طبیعی و درسی خویش تایوان را جزئی از قلمرو جغرافیایی خود به شمار می‌آورد. اختلافات سیاسی، سرزمینی و مرزی این دو کشور گاه تا مرز رویارویی و جنگ پیش می‌رود و بیشتر اوقات مداخله آمریکا و همراهی اروپا مانع اصلی و عقب‌نشینی از این رویارویی بزرگ می‌شود؛ اما چین با بردباری و مدارا و عقلانیت و واقع‌گرایی کنفوسیوسی حاکم بر رفتار سیاسی دولتمردان در حال حاضر بسیاری از مطالبات سیاسی خود را در منطقه پاسیفیک از جمله ادعای مالکیت بر جزیره تایوان را برای زمانی دیگر و به آینده‌ای نامعلوم وانهاده است تا بتواند به‌اندازه کافی قدرتمند شود و همه کشورهای دیگر را تابع قدرت برتر خویش سازد و تایوان نیز به‌ناچار سیاست چین واحد را بپذیرد؛ اما نکته درخور تأمل و تدبیر چینی است که امروز بیشترین واردات و صادرات تایوان از طرف کشور چین و هنگ‌کنگ انجام می‌شود که با بیش از ۴۰ درصد و چهار برابر آمریکا و ۶ برابر ژاپن و آسه آن به این کشور است. چین به‌جای ایجاد محدودیت اقتصادی برای تایوان تعامل و گشایش اقتصادی را هدف‌گذاری و در دستور کار خود با این کشور قرار داده است و تلاش کرده تا با جذابیت‌های لازم در درون کشور امکان انتقال صنایع تایوان را به درون خاک خود فراهم سازد و زمینه‌ساز دوستی و نزدیکی بیشتر بین مردم و سرمایه‌داران تایوانی با چین فراهم نماید. در سال ۲۰۰۷ که تایوان نیز مانند سایر کشورهای حوزه پاسیفیک با بحران مالی مواجه شد با حمایت ارزی از این کشور به کمک آن شتافت و از ایجاد ورشکستگی و خسارت و زیان اقتصادی و فرار سرمایه‌ها جلوگیری کرد. رفتار پخته اقتصادی دولتمردان چین آموزه‌های فراوانی برای سیاست‌ورزی امروز جهان به‌ویژه آسیا و چالش‌هایی که با آن مواجه است به همراه دارد، می‌توان از نظر سیاسی مخالف یکدیگر بود اما از نظر اقتصادی با یکدیگر کار و فعالیت اقتصادی کرد چراکه قواعد اقتصادی با قواعد و رفتار سیاسی دو موضوع به‌طور کامل متفاوت است. شاید با قواعد بازی اقتصادی بتوان بازی سیاسی بین دو کشور را نیز بهتر مدیریت کرد و به نتیجه مطلوب‌تر رسید. به یاد داشته باشیم امروز در سده‌ی به سر می‌بریم که صدای اقتصاد بسیار بلندتر و رساتر از صدای سیاست است و این سیاست است که باید از اقتصاد و قواعد اقتصادی تبعیت و همراهی کند. به نظر می‌رسد بازی چین با تایوان تابع چنین قاعده و رفتاری است.

استراتژی آمریکا در قبال تایوان

در شرق آسیا، یک مانع کلیدی در برابر اهداف ژئوپلیتیک ایالات متحده، دقیقاً تحولات اجتماعی و انقلاب توده‌ای بود که پس از تسلیم ژاپن به اوج خود رسید. در واقع، این حمایت مردمی پشت انقلاب سوسیالیستی و مبارزه ضد ژاپنی در چین بود که نقش کلیدی در عقب‌نشینی KMT^۲ (حزب ملی‌گرای چین) به تایوان داشت. با مشارکت نخبگان سیاسی در سراسر منطقه، ایالات متحده بر فرآیندی نظارت داشت که گرامشی (۱۹۷۱) آن را "انقلاب منفعل" نامید، که به دنبال حذف نیروهای اجتماعی بود که به‌طور بالقوه با رژیم‌های حامی ایالات متحده مخالف بودند و مبنایی برای رضایت نسبی ایجاد کرد. کشورهایی که در خدمت برقراری روابط اجتماعی سرمایه‌داری و ادغام منطقه شمال شرق آسیا در نظم تجاری جهانی با محوریت ایالات متحده بر اساس حذف چین هستند. بنابراین، ایالات متحده نقش کلیدی در تقویت خودمختاری تایوان به‌عنوان بخشی از این استراتژی ایفا کرد. در حالی که KMT این خودمختاری را از طریق زور وحشیانه ایجاد کرده بود، ایالات متحده به KMT کمک کرد تا با انجام اصلاحات ارضی در تایوان، حاکمیت خود را بر روی تعادل یکنواخت‌تر از اجبار و رضایت حفظ کند. این استراتژی از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که هم ایالات متحده و هم رژیم KMT به‌ویژه به دلایل "رقابت با چین" توجه داشتند (Hsueh et al. 2011: 14).

مداخله ایالات متحده در جنگ داخلی چین و حضور هژمونیک آن در منطقه باعث شد که ایالات متحده به‌طور فعال شرایط را برای توسعه دیرنگام در تایوان فراهم کند. این بدان معنا نیست که رابطه بین KMT و ایالات متحده همیشه هموار بوده است. پس از ورود ایالات متحده به جنگ اقیانوس آرام در سال ۱۹۴۱، KMT به متحد کلیدی ایالات متحده در جنگ با ژاپن و

۲- KMT یک حزب سیاسی بزرگ در جمهوری چین است، ابتدا در سرزمین اصلی چین و پس از آن در تایوان. ۱۹۴۹. این حزب غالب در چین در دوره جمهوری خواهان از ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۹ بود، زمانی که بیشتر سرزمین اصلی تحت کنترل آن بود. این حزب در ۷ دسامبر ۱۹۴۹ پس از شکست در جنگ داخلی چین از سرزمین اصلی به تایوان عقب‌نشینی کرد.

دریافت‌کننده مقادیر زیادی از کمک‌های ایالات متحده تبدیل شد. پس از پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده به ارائه کمک‌های سخاوتمندانه به KMT در جنگ ادامه داد. باین‌حال، از دست دادن نهایی KMT در سرزمین اصلی چین و عقب‌نشینی به تایوان منجر به بحران در روابط آن با ایالات متحده شد، زیرا دولت ترومن فکر می‌کرد که کمک بیشتر به KMT صرفاً هدر دادن پول باشد. در سال ۱۹۴۹، ایالات متحده به‌وضوح از KMT فاصله گرفت و ترومن در سال ۱۹۵۰ اعلام کرد که ایالات متحده کمک نظامی یا مشاوره به KMT در مورد تایوان ارائه نخواهد کرد. علاوه بر این، به نظر می‌رسید که دولت ترومن آماده رها کردن تایوان است. تنها تلاش‌های ارتش خلق کره به رهبری کیم ایل سونگ برای اتحاد مجدد شبه‌جزیره کره در ژوئن ۱۹۵۰ بود که به وارونه شدن روابط ایالات متحده با KMT منجر شد. به معنای واقعی کلمه یک‌شبه، تایوان از «آسیب گمشده» به یک کشور دفاعی استراتژیک حیاتی برای آمریکا تبدیل شد. ناوگان هفتم ایالات متحده بلافاصله به تنگه تایوان اعزام شد و کانال‌های کمک‌های اقتصادی و نظامی با رژیم KMT بازگشایی شد (Gray, 2019: 581-582).

کمک‌های ایالات متحده به دو دلیل تأثیر مهمی بر صنعتی شدن تایوان داشت. اولاً، در سال‌های اولیه، برای گسترش و مدرن‌سازی ارتش تایوان و همچنین فراهم کردن انتقال فناوری‌های کلیدی نقش اساسی داشت. بیشتر این کمک‌ها برای ساخت زیرساخت‌های حیاتی مانند فرودگاه‌ها، جاده‌ها و امکانات مخابراتی و همچنین برای آموزش پرسنلی که نقش مهمی صنعتی شدن تایوان ایفا می‌کنند استفاده شد. دوماً، وابستگی KMT به کمک‌های ایالات متحده، اهرم مهمی را در اختیار ایالات متحده قرار داد تا بتواند بر استراتژی کلی صنعتی شدن تایوان تأثیر بگذارد. باید گفت که نقش ایالات متحده در نظارت بر مرزهای سیستماتیک جنگ سرد در شرق آسیا نیز بسیاری از تقاضاها را برای تولید تایوانی فراهم کرد. همان‌طور که استابز استدلال کرده است، در چارچوب حذف تدریجی کمک‌های ایالات متحده، جنگ ویتنام یک رونق به‌موقع به اقتصاد تایوان ارائه کرد. علاوه بر دلارهایی که توسط سربازان آمریکایی برای استراحت و تفریح در تایوان خرج می‌شود،

صادرات تایوان به ویتنام جنوبی از اواسط دهه ۱۹۶۰ به سرعت افزایش یافت. مهم‌تر از آن، صادرات در صنایع سنگین نوپای تایوان مانند سیمان، آهن، فولاد، محصولات آلومینیومی، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل بود. علاوه بر این، انفجاری از تقاضا در بازار ایالات متحده رخ داد که تایوان در موقعیت خوبی برای استفاده از آن قرار داشت و در اوایل دهه ۱۹۷۰ مازاد سریعی ایجاد کرد (Stubbs 2015: 131-2).

در سپتامبر سال ۲۰۱۸، سناتور گاردنر قانون حمایت بین‌المللی و تقویت بین‌المللی (TAIPEI) متحدین تایوان را معرفی کرد. این قانون مجدداً در سال ۲۰۱۹ پس از شروع کنگره جدید در ژانویه ۲۰۱۹ دوباره به مجلس سنا معرفی شد. در این لایحه وزارت امور خارجه خواستار افزایش تعامل اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک کشورهای که با تایوان روابط سیاسی دارند در راستای منافع ایالات متحده به‌طور خاص مورد حمایت و همراهی قرار گیرند. در این قانون تایلد که روابط خود را با تایوان تقویت و ارتقاء داده است، باید بیشتر مورد حمایت آمریکا قرار گیرد. از سوی دیگر در این قانون آمده است کشورهای که اقدامات جدی یا مهمی در راستای تضعیف تایوان انجام می‌دهند در موارد خاص، متناسب و مطابق با منافع ایالات متحده، مجازات‌هایی در ابعاد اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک در نظر گرفته شود. علاوه بر این، پاداش یا مجازات کشورها بسته به روابط آن‌ها با تایوان، در این لایحه همچنین خواستار آغاز مذاکرات برای توافق‌نامه تجارت آزاد ایالات متحده و تایوان، حمایت از ورود تایوان در سازمان‌های بین‌المللی و به‌طور کلی افزایش حمایت ایالات متحده از تایوان است. نسخه ۲۰۱۹ این لایحه در ماه اکتبر به مجلس سنا تصویب شد و در مجلس در دست اقدام قرار گرفته است (Shattuck, 2020:11).

رهبران آمریکا "لایحه تایپه سال ۲۰۱۹" را در تبدیل به قانون کردند که این اقدام آن‌ها با صراحت سایر کشورها را در ایجاد روابط دیپلماتیک با چین منع می‌کند و نیز به تایوان برای گسترش به اصطلاح فضای بین‌المللی کمک می‌کند (Hill, 2020). این عمل، از نظر حکومت چین دخالت شدید در امور داخلی چین است. لایحه یادشده به‌طور جدی مغایر "اصل چین واحد" و موضوعات

سه کنوانسیون مشترک چین و آمریکا و قوانین و مقررات اصلی مناسبات بین‌المللی است و سیگنال اشتباه به "جدایی طلبان" تایوان ارسال کرده و نیز ایجاد مانع جدی در همکاری‌های بین‌المللی کنونی برای مبارزه با کرونا به شمار می‌رود. اگرچه وزارت خارجه آمریکا مدعی است فروش سلاح به تایوان باهدف تأمین صلح منطقه‌ای صورت می‌گیرد و آمریکا قصدی برای به چالش کشیدن اصل چین واحد ندارد، اما به اعتقاد بسیاری از کارشناسان دولتمردان آمریکا در پس مداخلات خود در امور داخلی چین - تایوان، اهداف استراتژیکی را دنبال می‌کنند که در این مقاله به چند مورد آن اشاره می‌شود:

۱- اگرچه دولت آمریکا چین واحد را به‌عنوان یک اصل پذیرفته است اما برای اعمال فشار بر چین جهت گرفتن امتیازات در بخش‌های مختلف، از اهرم‌هایی مانند تایوان و حقوق بشر و اخیراً اختلافات چین با کشورهای حوزه دریای جنوبی چین استفاده می‌کند. حضور نظامی آمریکا در تنگه تایوان و قراردادهای واشنگتن با دولت تایوان، استقلال طلبان این جزیره را برای تثبیت استقلال تایوان بسیار امیدوار کرده است. تظاهرات اخیر استقلال طلبان این جزیره که خواهان برگزاری همه‌پرسی استقلال تایوان شدند در همین راستا قابل توجه و تأمل است.

۲- دومین هدف آمریکا از حضور نظامی در تنگه تایوان تحریک چین و سوق دادن این کشور به سمت رقابت‌های تسلیحاتی است. آمریکا ادعا می‌کند چین با استفاده از آرامش و امنیتی که در منطقه از سوی واشنگتن ایجاد شده با سرعت تمام در حال رشد اقتصادی است که در آینده نزدیک هژمونی جهانی آمریکا را به چالش خواهد کشید. از این‌رو آمریکا بخصوص در دوره «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور سابق این کشور درصدد وادار کردن چین به افزایش قدرت نظامی و اختصاص دادن بخشی از بودجه نظامی‌اش به رقابت‌های تسلیحاتی بوده است و این فرایند در دوره ریاست جمهوری بایدن هم ادامه یافته است.

۳- سومین هدف آمریکا از حضور نظامی در دریای چین جنوبی اعمال فشارهای بیشتر بر کره شمالی و در همان حال محاصره دریایی چین است. در این رابطه ترامپ رئیس‌جمهور پیشین آمریکا معتقد بوده است تا زمانی که چین در بحث شبه‌جزیره کره همکاری لازم را نداشته باشد

بحران کره شمالی حل نخواهد شد. این در حالی است که از دیدگاه چین، آمریکا برای حفظ حضور نظامی‌اش در منطقه، مانع از حل بحران کره شمالی می‌شود و با دامن زدن به آن می‌کوشد چین و کره شمالی را تحت فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی قرار دهد.

در گزارش خدمات پژوهشی کنگره آمریکا آمده است: دولت ترامپ در زمان خود به دنبال "تقویت و تعمیق" روابط دوجانبه با تایوان بوده است. قانون TAIPEI سال ۲۰۱۹ دولت آمریکا را ترغیب به حمایت از تایوان در تقویت روابط رسمی و غیررسمی خود می‌کند. با این حال، دولت وقت ترامپ متعهد به چارچوب اساسی پس از سال ۱۹۷۹ روابط ایالات متحده و تایوان بوده است، که در پی روابط رسمی با چین و غیررسمی با تایوان بوده است (congressional research service, 2020). می‌توان گفت در عرصه جغرافیایی - راهبردی تایوان، حلقه‌ای اصلی از زنجیره‌ای جزایری است که از ژاپن تا اندونزی را در برمی‌گیرد و راه ورود به غرب اقیانوس آرام را بر نیروی دریایی چین می‌بندد. از بعد اقتصادی تایوان نقش عمده‌ای در اعمال اراده واشنگتن برای جلوگیری از افزایش قدرت چین دارد. این امر به‌ویژه در برنامه دولت جو بایدن مبنی بر تشکیل یک اتحاد «فنی - دموکراتیک» دیده می‌شود. در واقع صنایع ریز الکترونیک تایوان بخش عمده‌ای از جدیدترین نسل نیمه‌هادی‌ها را تولید می‌کنند که اجزاء غیرقابل چشم‌پوشی اقتصاد رقومی جهان (تلفن‌های هوشمند، اشیاء متصل به اینترنت، هوش مصنوعی و...) است. آمریکا می‌خواهد اطمینان داشته باشد که این توانایی‌ها را در اردوگاه خود حفظ می‌کند (Lemonde Diplomatic, 2021: 11).

استراتژی آمریکا در قبال تایوان برای فشار بر چین

پایگاه خبری کنگره آمریکا (Hill, 2020) در مقاله‌ای گزینه‌های پیش روی آمریکا برای تقابل با چین را بررسی کرد و نوشت: رئیس‌جمهور بعدی ایالات متحده از میان هر یک از دو کاندیدا یعنی دونالد ترامپ یا جو بایدن انتخاب شود، او باید با بزرگ‌ترین تهدیدی که حزب کمونیست چین

برای ایالات متحده ایجاد خواهد کرد روبه‌رو شود. در این راستا واشنگتن می‌تواند چهار استراتژی را در برابر چین اتخاذ کند:

استراتژی اول: بازگشت به همکاری‌های جامع آمریکا با شرکای خود علیه چین و تداوم سیاست مهار پکن که روسای جمهور دموکرات و جمهوری خواه پیشین اتخاذ کرده‌اند.

استراتژی دوم: به‌طور مستقیم و از طریق نظامی چین را با از بین بردن پایگاه‌های نظامی «غیرقانونی» این کشور در دریای جنوبی چین، کمک به فیلیپینی‌ها برای بازپس‌گیری برخی از جزایر خود و در صورت لزوم پاسخ کوبنده نظامی به پکن برای نقض قوانین و محدوده‌های سرزمینی دریایی دیگر کشورها، هوافضا و تمامیت ژاپن و تایوان.

استراتژی سوم: ادامه استراتژی ترامپ رئیس‌جمهور اسبق آمریکا مبنی بر مهار فعال و واکنش سرسختانه‌تر نسبت به تخلف‌های چین در زمینه تجارت، حقوق بشر، آزادی‌های دریانوردی و تایوان نسبت به دولت‌های پیشین آمریکا.

استراتژی چهارم: اجرای برنامه‌های اطلاعاتی و مالی تضعیف دولت کمونیست چین که بتواند در نهایت منجر به تغییر مسالمت‌آمیز رژیم چین و استقرار یک دولت دموکرات شود و مناطقی نظیر هنگ‌کنگ، تایوان، تبت و مغولستان بتوانند استقلال خود را به دست آورند. البته تمامی این گزینه‌ها ریسک تقابل نظامی مستقیم با چین را به همراه دارند اما استراتژی اول محتمل‌ترین گزینه است و به‌علاوه ممکن است موجب شکست ایدئولوژیک و اخلاقی غرب در برابر چین شود آن‌گونه که در استراتژی «پیروزی بدون جنگ» سان تزو، نویسنده چینی کتاب هنر رزم آمده است و این روش در تکنیک‌های جنگی، حيله و ترویج اطلاعات غلط توسط حزب کمونیست چین به‌کار گرفته می‌شود. باین‌حال بسیاری از منتقدان سیاست در هم گسیخته دولت ترامپ علیه چین پیشنهاد بازگشت به همین سیاست دولت‌های پیشین در برابر چین همراه با نوعی دیدگاه واقع‌گرایانه هستند. این دیدگاه در مقاله‌ای که به قلم "مایکل گرین و ایوان مدیروس"، که از مسئولان سیاست‌گذاری میز آسیا در دولت‌های جورج دبلیو بوش و باراک اوباما بودند ذکر شده است. نویسندگان در مقاله مذکور نسبت به سرنوشت کنونی هنگ‌کنگ ابراز تأسف می‌کنند و از پاسخ

غربی‌ها به این موضوع نیز ناامید هستند: «قانون جدید چینی‌ها یک تراژدی عمیق برای مردم هنگ‌کنگ است و از جامعه بین‌الملل نیز کوچک‌ترین کاری ساخته نیست تا اجرای این قانون را متوقف کند. دولت ترامپ پیشنهاد داده بود که فشارها بر دولت هنگ‌کنگ را افزایش خواهد داد. اما انجام چنین سیاستی می‌توانست اقتصاد هنگ‌کنگ را بیش از پکن در معرض خطر قرار دهد و در نهایت منجر به قرار گرفتن این منطقه در زیر پرچم چین شود.» این استدلال همان درک نادرستی را منعکس می‌کند که برای چهار دهه گذشته دولت‌های آمریکا را فلج کرده است. زمانی که حتی رفتارهای غیرقابل قبول نیز در نهایت پذیرفته می‌شوند، چین نیز به زیر پا گذاشتن محدودیت‌ها تشویق می‌شود. با این حال " گرین و مدیروس " در این مقاله، نخستین و فوری‌ترین خطر انفعال در برابر موضوع هنگ‌کنگ را متوجه تایوان می‌دانند. آن‌ها بیان می‌کنند: «اگر دولت آمریکا از خود اراده کافی برای مقاومت در برابر خصومت و تهدید چین نشان ندهد، رهبران چین ممکن است به این نتیجه برسند که ریسک‌ها و هزینه‌های اقدامات نظامی آتی علیه تایوان محدود یا حداقل قابل تحمل خواهند بود.» (Hill, 2020).

اما حتی زمانی که این دو نگارنده (گرین و مدیروس) لزوم مقاومت در برابر سیاست روزافزون الحاق‌گرایی چین را ذکر می‌کنند، در مورد پاسخ لازم به این اقدامات طفره می‌روند: «تحریم‌های هدف‌دار نمی‌تواند برای روابط واشنگتن و پکن یا مردم هنگ‌کنگ بدون هزینه باشند، اما ایالات متحده می‌تواند صدمات متقابل این اقدام را با اجرای این تحریم‌ها به‌طور افزایشی، مناسب و در هماهنگی با دیگر قدرت‌ها، کاهش دهد.» اما وضعیت روابط چین و آمریکا در شرایط صدمات متقابل قرار ندارد، بلکه تحریم‌های ثانویه است. دینامیک سیاست چین که برای چهار دهه گذشته ادامه یافته است برای دولت وقت ترامپ به‌هیچ‌وجه قابل قبول نبوده است. علاوه بر این، محدودسازی صدمات متقابل در هنگ‌کنگ همچنین می‌تواند موجب محدود شدن صدمه مستقیم به اهداف اولیه شود: مقامات چین و هنگ‌کنگ که دست به سرکوب درخواست‌های کمک شهروندان هنگ‌کنگ از آمریکا می‌زنند.

بررسی بسیاری از جنبه‌های سیاست واقعی بایدن در قبال چین در سال اول ریاست جمهوری، به جای انحراف آشکار از رویکرد ترامپ، با تداوم آشکار مشخص شده است. همانطور که «اندرو ناتان»، کارشناس چین، به صورت خلاصه بیان می‌کند: «دولت بایدن تعریف رسمی دولت ترامپ از چین به عنوان «رقیب استراتژیک» را به ارث برده است. این دولت تعرفه‌های وارداتی ترامپ، تلاش برای ساخت «کواد» و افزایش نیروی دریایی و همچنین گشت‌زنی در دریای چین جنوبی را حفظ کرده است. با این حال «ناتان» همچنین تاکید می‌کند که سیاست بایدن در مورد چین برخلاف ترامپ، در یک استراتژی گسترده‌تر و هماهنگ‌تر برای تقویت موقعیت ایالات متحده در شرق آسیا گنجانده شده است. این استراتژی‌ها شامل تقویت بلندمدت رقابت‌پذیری ایالات متحده و ساختن و تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای با شرکای که دوجانبه‌گرایی ناپایدار ترامپ آن‌ها را نسبت به آمریکا بیگانه کرده بود است. افزایش استقلال اقتصاد آمریکا از چین؛ تمرکز بیشتر بر ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشر؛ و تلاش برای یافتن زمینه‌هایی که همکاری آمریکا و چین در آنها امکان پذیر و همچنین لازم باشد از دیگر ابعاد استراتژی بایدن در قبال چین است (Nathan 2021).

تداوم چالش‌های چین و آمریکا بر سر تایوان (از ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲)

از زمان افزایش حضور مستقیم ناوگان دریایی آمریکا در منطقه پاسیفیک و استقرار نیروهای نظامی در پایگاه‌های دریایی این کشور در پیرامون چین و نزدیکی تایوان، همکاری‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی آمریکا و تایوان نیز افزایش یافته و اعتراضات چینی‌ها نیز از این رفتارها به سرعت رو به فزونی و توسعه بوده است. هم‌زمان با استمرار تنش‌ها میان واشنگتن و پکن، وزارت دفاع آمریکا خبر فروش احتمالی تانک‌های آبرامز M12AT و موشک‌های استینگر و تجهیزات مربوطه به ارزش ۲.۲ میلیارد دلار به تایوان را تأیید کرده است. اگرچه آمریکا روابط رسمی با تایوان ندارد اما اصلی‌ترین تأمین‌کننده تسلیحات این کشور بوده و قرار است که آمریکا ۱۰۸ تانک آبرامز و ۲۵۰ موشک استینگر به تایوان بفروشد. دولت چین تأکید کرده که اقدام واشنگتن در فروش تسلیحات میلیاردی به تایوان، نقض جدی قوانین بین‌الملل و مداخله در امور داخلی پکن است. چین از

آمریکا می‌خواهد با رعایت اصل چین واحد و سه اطلاعاتیه مشترک چین و آمریکا، فوراً برنامه فروش تسلیحات به تایوان را لغو کرده و ضمن توقف روابط نظامی با تایوان، از آسیب رساندن بیشتر به روابط چین و آمریکا و صلح و ثبات تنگه تایوان جلوگیری کند. به‌رغم هشدارهای چین به آمریکا درباره فروش تسلیحات به تایوان، به نوشته "ساوت چاینا مورنینگ پست" چاپ هنگ کنگ (۲۰۲۰)، خانم «تسای اینگ ون» رئیس حکومت جزیره تایوان، جهت دیدار با متحدان خود در منطقه کارائیب راهی آمریکا شد. رئیس حکومت تایوان در جریان سفر به چهار کشور کارائیب که متحدان تایوان محسوب می‌شوند، دو شب را در نیویورک اقامت خواهد کرد و در بازگشت نیز دو شب در دنور آمریکا می‌ماند. چین پیش‌تر نسبت به این سفر و اقامت او در آمریکا هشدار داده و تأکید کرده بود که تایوان حساس‌ترین مسئله در روابط چین و آمریکا محسوب می‌شود.

این موضوع بر همگان روشن است که چین دارای پتانسیل برخورد نظامی با تایوان است، در صورت تحقق چنین حادثه‌ای تعادل ژئوپلیتیک قدرت در منطقه پاسیفیک به‌طور چشم‌گیری تغییر به نفع چین تغییر می‌کند. تایوان از منظر چین به‌عنوان یک منطقه حیاتی در استراتژی امنیت ملی خود قلمداد کرده است و آن را یک خط قرمز برای رهبر جمهوری خلق چین محسوب می‌گردد (Doyle, 2009: 116). باید گفت که پس از بحران‌های ۱۹۹۵ - ۱۹۹۶ تنگه تایوان، روند نوسازی نظامی چین شدت گرفت بدین صورت که ۱. بودجه ارتش آزادی‌بخش خلق به‌طور اساسی افزایش پیدا کرده است. ۲. نوسازی ارتش بر اساس توسعه تسلیحات بومی و خرید تسلیحات خارجی پیشرفته، به‌ویژه روسیه، به‌منظور جلوگیری از استقلال تایوان و نیز مداخله بین‌المللی ایالات‌متحده، سرعت بیشتری یافت. ۳. استراتژی ارتش چین بر قابلیت‌های جنگی نامتقارن، جنگ اطلاعاتی، مزیت‌های ویژه مثل موشک‌های بالستیک و دیگر تسلیحات موشکی تهاجمی متمرکز شد. نوسازی ارتش آزادی‌بخش خلق پس از ۱۹۹۶، «آمادگی چین» را در راستای «الحاق تایوان» آشکار ساخت (Heydari, 2010: 1100).

تایوان به گفته چین حساس‌ترین موضوع در روابط چین و آمریکاست و مسئله جنگ تجاری نیز این بار دو کشور را تهدید می‌کند اما همچنان پکن در تلاش است تا با سیاست‌های مسالمت‌آمیز

موضوع را حل کند. به اعتقاد برخی ناظران سیاسی، چین با وجود تلاش‌هایش برای بهبود روابط با دولت قبلی آمریکا (دونالد ترامپ) در محاصره‌ای گرفتار شده بود که با راهبردهای واشنگتن برای پکن تدارک دیده شده بود. ترامپ از اولین روزی که بر سر کار آمد چین را راحت نگذاشت خیلی فوری یک گفت‌وگوی تلفنی با «تسای اینگ ون» رهبر تایوان انجام داد که خشم چین را به دنبال داشت؛ هرچند چین اقدامی تلافی‌جویانه‌ای علیه آمریکا انجام نداد. وی پس از آن تلاش کرد تا روابط آمریکا را در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با تایوان افزایش دهد و از آنجاکه در دریای جنوبی پیش‌تر با چین روبرو شده بود، امیدوار بود که از این بخش نیز امتیازاتی از پکن بگیرد. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا البته پا را فراتر از این‌ها گذاشت و کوشید تا در کنار فروش‌های تسلیحاتی آمریکا به تایوان روابط و مراودات مقام‌های آمریکایی و تایوانی را قانونی کند. افزون بر این مجلس سنای آمریکا بدون توجه به هشدارهای مکرر چین در سال ۲۰۲۰ نهایتاً لایحه مسافرت‌های متقابل مقام‌های آمریکایی و تایوانی به دو طرف را تصویب کرد که باعث شد هر مقامی در هر سطحی از دو طرف بتواند آزادانه گفت‌وگو و بین دو طرف سفر کند. اما این پرسش مطرح است که استراتژی آمریکا در قبال تایوان چیست؟ آمریکا با حمایت از جدایی‌طلبان تایوان به دنبال چه اهدافی است (China daily, 2020).

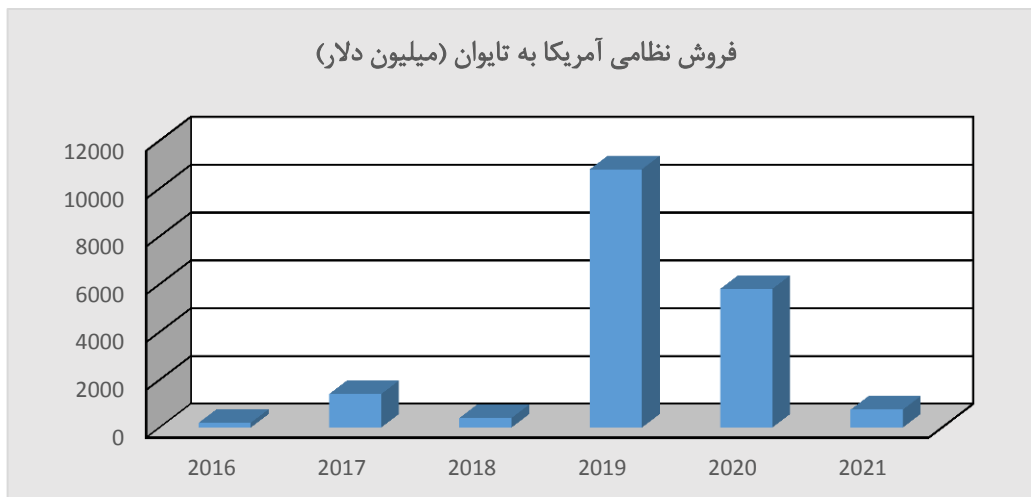
ورود کنگره چین به موضوع پیمان تایوان

از دیدگاه چین مسئله تایوان محور اساسی مسائل سیاسی این کشور و کانون مهمی در روابط چین با دیگر کشورها محسوب می‌شود و امضای این پیمان از سوی ترامپ موضوعی نیست که پکن به‌سادگی از کنار آن بگذرد. کنگره چین در بیانیه‌اش آورده است: امضای این پیمان و تبدیل آن به قانون، «مداخله آشکار» در امور داخلی چین و ارسال «علائم اشتباه» برای استقلال‌طلبان تایوان است. "شینهوا" به نقل از این بیانیه خاطر نشان کرده است «در دنیا فقط یک چین وجود دارد» و تایوان بخشی از این چین است. آمریکا باید دست از اقدامات اشتباه خود بردارد و اجرای این قانون را متوقف کند (Xinhuanet, 2020). "گلوبال تایمز" ارگان حزب حاکم هم نوشته است:

درحالی که دنیا به سمت تلاش برای توقف همه‌گیری کرونا گام بر می‌دارد، دولت آمریکا از سیاسی‌کاری رها نشده است. گزارش تصریح می‌کند آمریکا بار دیگر به تایوان متوسل شده است موضوعی بسیار حساس در روابط دو کشور که می‌تواند تبعات نگران‌کننده‌ای داشته باشد آن‌ها می‌خواهند چین را به هر شکل مهار کنند اما در شیوع کرونا این یک بازی خطرناک محسوب می‌شود (Globaltimes, 2020). سیاست چین در قبال تایوان مبتنی بر این اصل پایدار است که تایوان بخشی از چین واحد خواهد بود. به اظهار دولت مردان چینی، چین به دنبال اتحاد مسالمت‌آمیز با تایوان است اما گزینه استفاده از زور را محفوظ نگه‌داشته است. چین به دنبال تحقق سیاست یک کشور دو سیستم (مانند هنگ‌کنگ) برای الحاق تایوان به سرزمین مادر است. بسیاری از دولت مردان چینی معتقدند امکان اتحاد صلح‌آمیز بین چین و تایوان از بین رفته است، دولت باید از وسایل غیر صلح‌آمیز و سایر اقدامات لازم برای محافظت از حاکمیت و تمامیت ارضی استفاده کند (congressional research service. 2020).

مسئله تایوان زیربنای منافع ملی چین است و موضع پکن درباره وحدت دو سوی تنگه تزلزل‌ناپذیر است. استمرار تمرکز دولت آمریکا بر این موضوع و تلاش برای ارتقای پایگاه دیپلماتیک تایوان و تشویق دیگر کشورها برای برقراری روابط نزدیک‌تر با این جزیره می‌تواند برای پکن بشدت آزاردهنده باشد و پیامدهای آن برای روابط چین و آمریکا زیان‌بار است. دولت چین متعهد به حل مسالمت‌آمیز مسئله تایوان است. بنابراین، به‌طور خلاقانه سیاست «یک کشور با دو نظام» را در این راستا مطرح کرده است که در چارچوب آن، کشور متحد می‌شود و تایوان نیز از خودمختاری سطح بالا برخوردار خواهد بود. چین معتقد است آمریکا هرگز از دخالت در امور دو سوی تنگه تایوان دست برنداشته و نیروهای جدایی‌طلب در داخل تایوان نیز همکاری فعالانه با دخالت آمریکا دارند و با آن‌ها تبانی می‌کنند. بدیهی است که این کار آمریکا به خاطر نفع رساندن به تایوان نیست. هدف نهایی حکومت فعلی منطقه تایوان جدایی تایوان از چین است اما آمریکا آشکارا نمی‌خواهد این خواست تایوان را برآورده کند و فقط می‌خواهد با زرنگی و از طریق اقداماتی مانند فروش

اسلحه به تایوان و پیشنهاد و تصویب قوانین مربوط به تایوان، مدام امیدهای واهی به جدایی طلبان تایوان بدهد و مقامات تایوان را برای تشدید تنگناها با پکن و تحمیل فشار بر پکن، وسوسه کند. می‌توان دریافت واشنگتن برای اعمال فشار بر چین احساس ضرورت می‌کند؛ تایوان در دسترس‌ترین کارت نزد آمریکا برای چانه زدن با چین خواهد بود. ارسال کشتی‌های جنگی به تنگه تایوان در طی روزهای اول اصطکاک تجاری چین و آمریکا نمونه خوبی از این مورد بود. آمریکا ژوئیه ۲۰۱۸ اخذ عوارض گمرکی ۲۵ درصد بیشتر از کالاهای ۳۴ میلیارد دلاری وارداتی چین را اعلام کرد. دقیقاً یک روز پس از آن یعنی در ژوئیه، دو ناوشکن Aegis نیروی دریایی آمریکا از تنگه تایوان عبور کردند. آمریکا از جنگ تجاری با چین می‌خواست یک پیمان نابرابر تجاری را بر چین تحمیل کند و عبور کشتی‌های جنگی آمریکا از تنگه تایوان به منظور کسب یک ژتون بیشتر برای مذاکرات احتمالی آینده با چین تلقی می‌شد. دولت مردان چین بر این موضوع واقفاند که در دوره دوران ترامپ فروش اسلحه آمریکا به تایوان به‌طور افسارگسیخته افزایش یافته بود. هدف آمریکا از این کار به دست آوردن کارت‌های بیشتر برای چانه‌زنی با چین است. بر اساس گزارش موسسه صلح استکهلم آمریکا در دوره ترامپ از ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ حدوداً ۱۸.۳۳ میلیارد دلار و در دو سال اخیر حکومت بایدن (۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲) حدود ۲.۲ میلیارد دلار اسلحه به تایوان فروخته است (SIPRI, 2022).



شکل شماره ۵: فروش تسلیحات نظامی آمریکا به تایوان در حد فاصل ۲۰۲۱-۲۰۱۶

Source: Defense Security Cooperation Agency 2021.

از سوی دیگر شی جین پینگ رهبر مقتدر چین که در سال ۲۰۲۲ برای سومین و به مدت ۵ سال دیگر تا سال ۲۰۲۷ رهبر بلامنزاع چین خواهد بود که بعد از مائو دومین رهبر قدرتمند چین است که همه اختیارات نظامی، سیاسی، مدیریتی حزب کمونیست چین را در اختیار دارد در این رؤیاست که تا پایان دوره سوم و بی پایان ریاست جمهوری او و با کمک گرفتن از ناسیونالیست جریحه دار چینی پیرامون تایوان بتواند این جزیره را به خاک چین ضمیمه نماید اگرچه با مخالفت شدید و بروز جنگی بزرگ بین چین و آمریکا و هم پیمانانش در اروپا و شرق آسیا روی دهد. به نظر می آید بازنمایی تاریخی تایوان برای ملی گرایی چینی ابزار قدرتمندی است که زمینه ساز و ظرفیت ساز خیال پردازی و هم آلود ریشه بدآوند و ایجاد چالش ژئوپلیتیکی بین دو کشور چین و آمریکا با موضوع تایوان را شکل دهد. امروز در افق شرق و غرب پاسیفیک این چالش ژئوپلیتیکی در حال ظهور و خودنمایی است که می تواند چین و آسیای شرقی، آمریکای شمالی، اروپا، استرالیا و سایر قاره ها و کشورها را درگیر این بحران ژئوپلیتیکی نماید، در صورت آغاز چنین جنگی می تواند طولانی باشد یا تعمداً آمریکا و هم پیمانان او برای تخریب چین، این کشور را برای مدت طولانی درگیر و به کشوری مطرود تبدیل کنند و اقتصاد چین و زیرساخت های آن را تا حدود

زیادی نبود سازند. حتی اگر ارتش آزادی‌بخش خلق پیروز شود، منجر به اشغال جزیره‌ای بزرگ می‌شود که میلیون‌ها نفر جمعیت دارند و احتمالاً از سلطه پکن ناراضی هستند. اگرچه اذهان زیرک محاسبه‌گرای کنفوسیوسی چینی به‌درستی عمق این فاجعه را می‌داند و به‌آسانی به چنین بازی ژئوپلیتیکی تن نخواهد داد.

همان‌طور که لی‌های‌دونگ استاد دانشکده امور خارجه چین گفته است: این قراردادهای فروش تسلیحاتی که در زمان اوج‌گیری اپیدمی کرونا در آمریکا تصویب شد، نشان می‌دهد که ایالات‌متحده به محاصره و بازدارندگی چین سرعت بخشیده است. درحالی‌که روابط واشنگتن و پکن به پایین‌ترین سطح از زمان برقراری مناسبات رسمی در ۴ دهه گذشته رسیده است، آمریکا در اقدامی دیگر که خشم چین را به دنبال دارد، با فروش محموله بزرگی از تجهیزات و تسلیحات موشکی موافقت کرده است. این محموله تسلیحاتی که برای بالا بردن توان سامانه‌های موشکی تایوان است، ارزشی در حدود ۶۲۰ میلیون دلار دارد. اکنون یکی از حساس‌ترین دوران‌ها برای فروش تسلیحات به تایوان محسوب می‌شود، زیرا روابط چین و آمریکا به علت شیوع کرونا، مداخله آمریکا در امور داخلی چین از جمله هنگ‌کنگ و سین‌کیانگ، تحریم شماری از مقام‌های ارشد امنیتی چین و برگزاری رزمایش در دریای جنوبی بشدت تیره و پرتنش شده است (Taiwan news, 2020). شاتوک می‌نویسد: اتخاذ و اجرای سیاست‌های آمریکا، احتمالاً تلاش پکن برای فشار آوردن بر تایوان را با فریب همه متحدین دیپلماتیک تایوان (۱۵ کشور دارای روابط دیپلماتیک) متوقف نخواهد کرد. چین توانایی و اراده خود را برای حمایت از فشار و فشار بیش‌ازحد بر تایوان و ایالات‌متحده در رقابت بر سر اینکه آیا کشورها روابط دیپلماتیک با پکن دارند یا با تایپه، ادامه خواهد داد. با این وجود، تلاش برای ایجاد روابط نزدیک بین تایوان و سایر کشورها و حفظ روابط دیپلماتیک موجود تایوان، ممکن است اتاق تنفس را به تایوان بدهد و به منافع آمریکا نیز خدمت کند (Shattuck, 2020:12). سفر نانسی پلوسی رئیس پیشین مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان در اوت ۲۰۲۲ که طی ۲۵ سال گذشته بالاترین مقام آمریکایی است که چنین سفری را به تایوان داشته است نشانگر اهمیت و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تایوان

برای آمریکا در دوره دموکرات‌هاست. جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا در مصاحبه با شبکه سی بی اس آمریکا در ادامه سیاست حمایت از تایوان در برابر چین که بیش از هشت دهه ادامه یافته رسماً اعلام کرد: در صورت حمله چین، ایالات‌متحده آمریکا از تایوان دفاع خواهد کرد. آقای بایدن در مصاحبه‌ای با شبکه خبری «سی بی اس» در پاسخ به این سؤال که آیا نیروهای آمریکایی از این جزیره دفاع خواهند کرد، گفت: «بله، در واقع اگر حمله بی‌سابقه‌ای رخ دهد.» این اظهارات آقای بایدن، کاخ سفید را بر آن داشت تا توضیح دهد که سیاست رسمی ایالات‌متحده آمریکا - که متعهد به اقدام نظامی در مورد تایوان نیست - تغییر نکرده است. اظهارات آقای بایدن، که صریح‌ترین اظهارات او در تعهد به مداخله نظامی آمریکا در این مورد است، ظاهراً در تضاد با موضع رسمی واشنگتن مبنی بر «ابهام استراتژیک» است، سیاستی که می‌گوید این کشور متعهد به دفاع از تایوان نیست، اما این گزینه را هم رد نمی‌کند. او گفت: «یک سیاست چین واحد وجود دارد، و تایوان خودش در مورد استقلالش تصمیم می‌گیرد. ما اقدامی نمی‌کنیم، استقلال آن‌ها را تشویق نمی‌کنیم - این تصمیم آن‌هاست.» تایوان با استقبال از «تعهد امنیتی محکم دولت ایالات‌متحده آمریکا به تایوان» به اظهارات آقای بایدن پاسخ داد. مقامات تایوان گفتند که به تعمیق «همکاری امنیتی نزدیک» خود با واشنگتن ادامه خواهد داد. در اوایل دسامبر سال جاری (۲۰۲۲)، ایالات‌متحده با فروش یک میلیارد و صد میلیون دلار تسلیحات و دفاع موشکی به تایوان موافقت کرد، اقدامی که خشم چین را برانگیخت (CBS News, 2022).

در استراتژی گسترده‌تر بایدن نسبت به ترامپ، جنبه‌های نمادین، ژئوپلیتیکی و نظامی سیاست ایالات متحده در قبال تایوان بسیار مهم است. به طور نمادین، بایدن با دعوت از سفیر تایوان «هسیائو بیخیم» به مراسم تحلیف ریاست جمهوری در اولین روز ریاست جمهوری خود، برای اولین بار از سال ۱۹۷۹ سیگنال قوی حمایت را به تایوان ارسال کرد. علاوه بر این، در مارس ۲۰۲۱، سفیر ایالات متحده در پالائو اولین سفیر ایالات متحده بود که از تایوان بازدید کرد. با این حال، مهم‌تر از همه، تیم بایدن بارها تعهد خود را به رعایت تعهدات سیاسی و نظامی ایالات متحده در قبال تایوان در چارچوب TRA اعلام کرده است. در عین حال، دولت بایدن تاکید کرده

است که اصول کلی سیاست ایالات متحده در قبال تایوان تغییر نکرده است. برای مثال، در ژوئیه ۲۰۲۱، «کورت کمپبل»، هماهنگ‌کننده حوزه ژئوپلیتیکی هند و اقیانوسیه بایدن در شورای امنیت ملی، اعلام کرد که اگرچه ایالات متحده "از یک رابطه غیر رسمی قوی با تایوان حمایت می‌کند، اما از استقلال تایوان حمایت نمی‌کند."

از نظر سیاسی، سیاست تایوان بایدن شامل مذاکرات دوجانبه با تمرکز بر احیای ایالات متحده به عنوان یک شریک قابل اعتماد و همچنین تلاش‌های چندجانبه برای بین‌المللی کردن "مسئله تایوان" و رساندن صدای تایوان بدون تغییر وضعیت موجود است. به عنوان مثال از نظر روابط دوجانبه، در ژوئن ۲۰۲۱ موسسه آمریکایی در تایوان اعلام کرد که مذاکرات در مورد توافقنامه چارچوب تجاری و سرمایه‌گذاری جامع پس از وقفه چهار ساله در دوره ترامپ از سر گرفته خواهد شد. از نظر بین‌المللی سازی «مسئله تایوان»، امنیت کشور و همچنین «صلح در تنگه تایوان» در محیط‌های دوجانبه و چندجانبه، مانند اجلاس سران G7 در ژوئن ۲۰۲۱ یا دیدارهای بایدن با رهبران دموکراسی‌های مستقر در این کشور به‌ویژه برجسته شده است. برای مثال در آوریل ۲۰۲۱، بایدن و نخست وزیر ژاپن «سوغا یوشیهید»، بیانیه مشترکی صادر کردند که شامل اولین اشاره مستقیم به تایوان در اسناد ایالات متحده و ژاپن از سال ۱۹۶۹ بود. علاوه بر این، دولت بایدن بارها از شرکای خود خواسته است تا دسترسی تایوان به کشورها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله «سازمان‌های سازمان ملل متحد مانند سازمان بهداشت جهانی. بین‌المللی» را افزایش دهند. (Kuehn, 2021: 7-8).

در نهایت، سیاست بایدن در قبال تایوان شامل یک عنصر نظامی قوی است که هدف آن نشان دادن موضع قاطعانه ایالات متحده در برابر چین و تعهد آن به افزایش توانایی تایوان برای دفاع از خود است. این تقویت نظامی شامل افزایش فعالیت نظامی ایالات متحده به‌ویژه عملیات دریایی در آب‌های بین‌المللی در اطراف تایوان است. به عنوان مثال، بین مراسم تحلیف بایدن تا پایان اکتبر ۲۰۲۱، کشتی‌های نیروی دریایی ایالات متحده ۱۰ بار از تنگه تایوان در راستای مثلاً گشت‌زنی دریانوردی آزاد عبور کرده بودند. چنین تعامل نظامی همچنین مستلزم همکاری مستقیم با نیروهای

مسلح تایوان است. یکی از نمونه‌ها یادداشت تفاهم دوجانبه مارس ۲۰۲۱ بین ایالات متحده و تایوان برای ایجاد همکاری نزدیک بین گارد ساحلی مربوطه می‌باشد. در آگوست ۲۰۲۱، برای اولین بار از سال ۱۹۷۹، یک افسر ارتش ایالات متحده در حال انجام وظیفه در تلویزیون تایوان ظاهر شد و مردم را نسبت به همکاری نزدیک نظامی ایالات متحده و تایوان در زمینه‌های امنیت ملی، کمک‌های بشردوستانه و امداد رسانی در بلاهای طبیعی اطمینان داد. و در اکتبر ۲۰۲۱، وال استریت ژورنال گزارش داد که نیروهای عملیات ویژه ایالات متحده برای حداقل یک سال در تایوان مستقر شده‌اند تا آموزش واحدهای کوچک را برای نیروهای زمینی تایوان انجام دهند. هیچ یک از این اقدامات گام‌های رادیکال سیاست آمریکا در قبال تایوان را تشکیل نمی‌دهند. به‌عنوان مثال، برنامه آموزش نظامی آمریکا به تایوان به گفته «ماینگ جنو»، رئیس‌جمهور سابق تایوان، برای بیش از یک دهه ادامه داشته است. با این حال، روی هم رفته، همه این موارد سیگنال‌های قدرتمندی هستند که هدفشان اطمینان دادن به ارتش و مردم تایوان - و همچنین چین - از حمایت "محکم" ایالات متحده از تایوان است. در نهایت، و با همان روحیه، دولت بایدن به صراحت اعلام کرده است که هیچ ممنوعیتی برای فروش تسلیحات به تایوان وجود نخواهد داشت. در آگوست ۲۰۲۱ اولین قرارداد تسلیحاتی آن با تایوان اعلام شد که شامل فروش ۴۰ «هویتزر خودکشی و تجهیزات مربوطه» به ارزش کل تخمینی ۷۵۰ میلیون دلار بوده است.

این رفتارها و سیاست‌های اساسی در کنار هم، افکار عمومی تایوانی را در مقابل بایدن بهبود بخشیده است. در یک نظرسنجی در آوریل ۲۰۲۱ توسط بنیاد افکار عمومی تایوان، ۵۷.۸ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی پاسخ دادند که از زمان روی کار آمدن بایدن نظر "تا حدودی خوب" یا "بسیار خوب" درباره او داشتند. در همین حال، ۲۱.۷ درصد گفتند که نظر «تا حدودی بد» یا «بسیار بد» نسبت به چهل و ششمین رئیس‌جمهور آمریکا دارند. این روندها همچنین در نظرسنجی گالوپ ۲۰۲۱ آشکار شد که در آن ۴۵ درصد از پاسخ‌دهندگان تایوانی اعلام کردند که عملکرد شغلی رهبری ایالات متحده را تایید می‌کنند (در مقایسه با ۲۰ درصد عدم تایید). در نهایت، بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد که اکثر تایوانی‌ها همچنان مطمئن هستند که ایالات متحده

از کشورشان در صورت تهاجم چین حمایت نظامی خواهد کرد. حتی پس از عقب‌نشینی عجولانه نیروهای آمریکایی از افغانستان در سپتامبر ۲۰۲۱، نظرسنجی انجام شده توسط مرکز مطالعات انتخاباتی دانشگاه ملی چنگچی (NCCU) تایوان نشان داد که ۷۰.۴ درصد معتقد بودند که تعهد ایالات متحده در مورد حمایت از تایوان عمل خواهد شد (Kuehn, 2021: 7-8).

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش ما را به این واقعیات سیاسی، ژئواکونومی و ژئوپلیتیک رهنمون می‌سازد که فشار آمریکا بر چین بر سر تایوان و سایر موضوعات اقتصادی، سیاسی و امنیتی از زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ جمهوری‌خواه و پس‌از آن جو بایدن دموکرات (۲۰۱۶-۲۰۲۲) نسبت به تمام دوره‌های گذشته دولت‌مردان دو حزب به مراتب شدیدتر و مخرب‌تر و چالش‌برانگیزتر بوده و دو کشور چین و تایوان دارای وزن ژئوپلیتیکی کاملاً نابرابر را به مدار جنگ نزدیک‌تر و زمینه‌ساز ظهور یک بحران ژئوپلیتیکی در منطقه پاسیفیک را فراهم ساخته است. می‌توان گفت طی حدود هشت دهه یکی از کارت‌های ژئوپلیتیکی آمریکا برای فشار، تضعیف و کنترل چین از ابعاد و زوایای مختلف کشور تایوان است. آمریکا از طریق تایوان که پاشنه آشیل چین و چالش ژئوپلیتیکی آن نیز محسوب می‌شود به سه شیوه بر چین فشار وارد می‌کند: فروش اسلحه، همکاری اقتصادی-تکنولوژیک و حمایت سیاسی در پناه تدوین قوانین در مجالس این کشور است. حمایت صریح اخیر بایدن از تایوان در صورت حمله چین به آن سومین موضع سیاسی این کشور در سال ۲۰۲۲ محسوب می‌گردد که نشان می‌دهد این رویه برای هر دو حزب آمریکا به رویکردی پایدار و خدشه‌ناپذیر طی شش سال اخیر تبدیل گشته است. آمریکا بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی و شریک ژئواکونومی، اقتصادی و تکنولوژیک برای تایوان تبدیل شده است. شرکت‌های آمریکایی بخش مهمی از خط تولیدات کامپیوتری، سخت‌افزاری و تولیدات میکروالکترونیکی، نیمه‌هادی‌ها و بخش خدمات مالی، تجاری و غیرمالی و بخش مهمی از تکنولوژی‌های سطح پائین خود را در این کشور دایر کرده‌اند و شریک تجاری و فروش محصولات تایوان در بازار آمریکا و پانزده کشور دیگر با چتر حمایتی آمریکا صورت می‌گیرد. در سال ۲۰۲۱، ارزش کل تجارت

بین‌الملل در تایوان به حدود ۸۲۸ میلیارد دلار آمریکا رسید که از حدود ۶۳۱ میلیارد دلار در سال گذشته به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته است. این کشور به‌عنوان هشتمین شریک بزرگ آمریکا و آمریکا نخستین شریک تجاری تایوان محسوب می‌شود. حجم صادرات تایوان در حدود ۷۷ میلیارد دلار به آمریکا و بیش از ۲۷ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته است. آمریکا ۲.۵ درصد صادرات خود را به تایوان در سال ۲۰۲۱ صادر کرده و آمریکا در همین سال ۳۷ میلیارد دلار به تایوان صادرات داشته که نسبت به سال ۲۰۲۰ حدود ۲۲.۳ درصد افزایش داشته است.

از سوی دیگر آمریکا تنها تأمین‌کننده تسلیحات موردنیاز صنایع نظامی و آموزش نیروهای مسلح این کشور به‌شمار می‌رود که طی ۶ سال و عمر سیاسی دو دولت ترامپ و دو سال اخیر بایدن بیش از ۲۰ میلیارد دلار اسلحه به این کشور فروخته است. به‌رغم مخالفت شدید چین با فروش تسلیحات نظامی آمریکا این کشور بدون توجه به اعتراضات دولت‌مردان چین فروش تسلیحات موردنیاز تایوان و تدوین قوانین حمایت از تایوان در مجالس قانون‌گذاری ادامه داده (۲۰۲۲) و چالش بین چین و آمریکا در هر زمانی در خصوص تایوان افزایش داده و تنش‌ها در روابط دو کشور در حال اشتعال و در حال سوزاندن منافع ملی و ژئواکونومیکی دو کشور و بیشتر چین است که حدود ۴ برابر بیش از آمریکا صادرات به آمریکا دارد. در مجموع فروش تسلیحات نظامی آمریکا به تایوان، حضور نظامی آمریکا در تنگه تایوان و هم‌چنین میزبانی دولتمردان واشنگتن از رهبر تایوان به معنای تداوم سیاست بحران‌آفرینی ژئوپلیتیکی این کشور در منطقه است که می‌تواند بیش‌ازپیش به نگرانی‌ها در مورد رویارویی ژئوپلیتیکی احتمالی چین و آمریکا دامن بزند. زیرا رهبر و دستگاه دیپلماسی چین بارها اعلام کرده است که در حفاظت از حاکمیت ملی خود در برابر آمریکا کوتاه نخواهد آمد و دو سوی تنگه را یک کشور واحد قلمداد می‌کند (December, 2022). روابط چین و آمریکا همواره مجموعه‌ای از چالش‌ها و تنش‌های کوتاه و بلندمدت ژئوپلیتیکی را طی این هشت دهه در خود داشته است و امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که دو طرف در دریای جنوبی چین در حال رویارویی نظامی هستند و در بخش اقتصادی آماده ورود به یک جنگ

تجاری و ژئواکونومیکی تمام‌عیار شده‌اند. از سوی دیگر از بعد سیاسی تبدیل لایحه تایوان در سال ۲۰۱۹ به قانون تایوان خشم چین را نسبت به خود فروزان‌تر ساخته و دو کشور را تا مرز جنگ بین دو کشور به جلو کشانده است. شاید به همین دلیل است که بسیاری از صاحب‌نظران منطقه ژئوپلیتیکی پاسیفیک معتقدند مسئله تایوان می‌تواند دو کشور آمریکا و چین را به جنگ یا بحران ژئوپلیتیکی بکشاند. تجربه تاریخی چالش‌های دو کشور در خصوص تایوان تا سرحد جنگ طی این مدت پیش رفته ولی به جنگ ختم نشده است، اما چین هرگز تا به این حد از بعد ژئواکونومی، ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و نظامی قدرتمند نبوده و آمریکا نیز تا به این حد جدی در برخورد نظامی با چین صف‌آرایی نکرده است. آمریکا برای کنترل چین قدرتمند در این برهه از زمان که دارای رشد اقتصادی بیش از سه برابر آمریکا است، چاره‌ای جز چالش‌آفرینی با چین در ابعاد مختلف به‌ویژه مسئله تایوان نمی‌بیند و چین نیز باوقوف از این مسئله و قدرت ملی رو به فزونی و حامی منافع ملی خود را برای تحقق چین واحد در دو سوی تنگه مصمم‌تر ساخته و قطعاً در آینده دست به اقدامات جدی و جسورانه‌تری خواهد زد و غرب و شرق منطقه ژئوپلیتیکی حال حاضر پاسیفیک را در بحران ژئوپلیتیکی عمیق و دامنه‌داری فرو خواهد برد. تایوان محصولی است که حاصل چهار دهه حفظ سیاست ابهام آمریکا است و با افزایش تنش با چین به بار نشسته است. از سوی دیگر، چین نیز با اعمال فشار به دنبال تحلیل بردن تایوان و درنهایت تحقق وحدت در سرزمین اصلی است.

کتابنامه

1. Agnew, J., (2003). *Geopolitics: Re-visioning World Politics*. second ed, London: Routledge
2. Ahmadi, A., Hafez Niya, M.R., Badii Aznadahi, M., & Heydari Mosulu, T., (2017). Theoretical explanation of geopolitical competition formation platforms. *Human geography researches*, 50(1), 64-93. [In Persian].
3. Amsden, A., (1979). Taiwans Economoc History: A Case Etatisme and a Challenge to Dependency theory. *Modern China*, 5(3), 341-379. <https://doi.org/10.1177/009770047900500304>

4. Azghandi, R.A., & Roshandel, J., (2009). *Contemporary military and strategic issues*; Tehran: SAMT. [In Persian].
5. Blackwill, R.D., & Harris, J.M., (2016). *The lost art of economic statecraft: Restoring an American tradition*. Foreign Affairs, 95(2), 99-110.
6. Blouet, B., (2001). *Geopolitics and Globalization in the Twentieth Century*, London: Reaktion Books.
7. Castells, M., (1999). *The Rise of the Network Society*, Blackwell Ltd, Oxford.
8. CBS News.(2022). Available at: <https://www.CBSNews.com>.
9. Census.gov. (2022). Available at: <https://www.Census.gov.com>.
10. Clapsa, K., (2006). *Man, The State, and War*. New York: Columbia University Press.
11. Cohen, S.B., (1994). *Geopolitics in new world Era*, USA: West view press.
12. Congressional Research Service (2020). *Taiwan: Select Political and Security Issues*. Routledge Publication.
13. Delfrooz, M., (2014) *Government and economic development*. Tehran: Nash Agh. [in Persian]
14. Doherty, J., & Faltzgraf, R., (2006). *Conflicting Theories in International Relations*, translated by Alireza Tayyeb and Vahid Ghazari, Tehran: Qoms.
15. Doner, R., Bryan, R., & Dan S., (2005). *Systemic vulnerability and Origin of developmental State Northeast and Southeast AsianComporative perspective international organization*. East, 52(2), International Organization,59(02):327-361.
16. Doyle, R., (2009). *The Roots of war in the 21Century*, University of America, UK.
17. Er, I., & Wei, I., (2009). *The rise of China and India: A new Asian Drama*. London, World Scientific Group.
18. Friedman, G., & Jacob L., (2017). *The Geopolitics of 2017 in 4 Maps*. (https://geopoliticalfutures.com/wpcontent/uploads/2015/11/ME_logo_large.jpg)
19. Globaltimes. (2021). Available at: <https://www.Globaltimes.com>.
20. Gray, K., (2019). *Taiwan and the geopolitics of late development*, *The Pacific Review*, 24(5), 577–599.
21. Hafez Nia, M.R., (2005). *Principles and Concepts of Geopolitics*. Mashhad, Papli Publications. [in Persian]
22. Heydari, J., (2010). *The issue of Taiwan: disputed areas between China and the United States and China's military-security levers in the direction of annexation*. Foreign Policy, 95(24), 1091-1108.
23. Hsueh, L., & Perkins, D.H., (2011). *Industrialization and the State: The Changing Role of the Taiwan Government in the Economy, 1945–1998*, Cambridge, MA: Harvard University Press.

24. [Imf.org](https://www.imf.org). Available at: [https://www. Imf.org](https://www.imf.org)
25. [Ing.com](https://www.ing.org). Available at: <https://www. Ing.org>
26. Kuehn, D., (2021). Managing the Status Quo: Continuity and Change in the United States' Taiwan Policy.
27. Lemonde Diplomatic. (2021). Available at: <https://www. Lemonde Diplomatic.com>.
28. Luttwak, E.N., (1990). *From geopolitics to geo-economics: Logic of conflict, grammar of commerce. The national interest*, (20), 17-23.
29. Merriam-Webster (2019). Available at: <https://www. Merriam-Webster.com>.
30. Mousavi Shahidi, S.M., (2021). *Explanation of geopolitical relations in the Persian Gulf region*, PhD thesis, University of Tehran. [in Persian]
31. Nathan, A.J., (2021). Biden's China Policy: Old Wine in New Bottles?, in: China Report, online first 9 October, <https://doi.org/10.1177/00094455211047069>
32. Rosecrance, R., (2001). *the Virtual State*, Brookings Institution Press
33. Shattuck, T.J., (2020). The Race to Zero?: China's Poaching of Taiwan's Diplomatic Allies .Orbis. Published online 2020, NCBI.
34. Shirzadi, R., (2011). *Government and Development in Japan. Political Science Quarterly*, No. 22,120-145. [in Persian]
35. Statist. (2022). Available at: <https://www. Statist.com>.
36. Stubbs, R., (2015). *Rethinking Asia's Miracle*, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
37. Su, T., (2001). *Sharpening the Cutting Edge: Meeting Taiwan New High Tech Challenges*. Government Office of Taiwan, Winter.
38. World bank.org. Available at: <https://www. World bank.org>
39. Xinhuanet.com. Available at: <https://www. Xinhuanet.org>
40. Zarei, B., (2018), *The 21st century of Asia-Pacific*. Tehran: Tehran University Press. [in Persian]